



- سرشناسه : اعرافی، علیرضا، ۱۳۳۸ -
Arafi, AliReza
- عنوان و نام پدیدآور : خورشید عاشورا / علیرضا اعرافی؛
تدوین: محمد آزادی.
- مشخصات نشر : قم: مؤسسه اشراق و عرفان، ۱۳۹۶.
- مشخصات ظاهری : ۵۳۲ ص؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
- فروست : نشر مؤسسه اشراق و عرفان؛ ۳۲.
- شابک : ۸-۰۱-۸۵۴۲-۶۰۰-۹۷۸-۲۵۰۰۰۰ ریال.
- یادداشت : کتابنامه.
- موضوع : حسین بن علی علیه السلام، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق.
- موضوع : Hosayn ibn 'Ali, Imam III, ۶۲۵-۶۸۰
- موضوع : واقعه کربلا، ۶۱ ق.
- موضوع : اسلام -- تاریخ -- ۴۰-۶۱ ق.
- موضوع : Islam -- History -- ۶۶۰-۶۸۰
- شناسه افزوده : آزادی، محمد، ۱۳۶۷ -
- رده بندی کنگره : ۹خ۶۵۵الف/۴/۴۱ BP
- رده بندی دیوبی : ۲۹۷/۹۵۱
- شماره کتابشناسی ملی : ۴۴۶۷۰۲۱

علیرضا عرفانی

خورشید عاشورا

تدوین: محمد آزادی



نشر اشراق و عرفان



خورشید عاشورا

علیرضا اعرافی

تدوین محمد آزادی
ناشر مؤسسه اشراق و عرفان
ویراستار علی اکبریان
امور هنری حمید بهرامی
نوبت و تاریخ چاپ اول / بهار ۱۳۹۶
لیتوگرافی، چاپ و صحافی سازمان چاپ اِسرائ
شمارگان ۱۰۰۰ نسخه
قیمت ۲۵۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای مؤسسه اشراق و عرفان محفوظ است

ISBN: 978-600-8542-01-8

تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۸۵۴۰
www.eshragh-erfan.com
نمابر: ۰۲۵-۳۷۷۴۸۵۴۱
info@eshragh-erfan.com

آدرس: ایران، قم، خیابان معلم، معلم ۸، کوچه شهید محقق، پلاک ۵۹

کانال تلگرام: @EshraghErfan

فهرست

سخن مؤسسه ۲۱

مقدمه / ۲۳

۱. وحدت شخصیت ائمه علیهم السلام در عین تفاوت و تفاضل ۲۴

۲. تقسیم ادوار ائمه علیهم السلام ۳۰

۱-۲. خطوط و جبهه‌های مختلف حضور ائمه علیهم السلام ۳۰

الف. مواجهه فکری، علمی و فرهنگی با خط الحاد ۳۱

ب. مواجهه با اندیشه‌های کلامی و فقهی دیگر مذاهب اسلامی ۳۱

ج. مواجهه با کج‌روی‌ها و انحرافات درون تشیع ۳۲

د. مواجهه سیاسی و اجتماعی با خلفا ۳۳

۲-۲. مراحل تقابل خلافت و امامت ۳۴

مرحله اول؛ دوران امامت حضرت علی علیه السلام ۳۴

مرحله دوم؛ دوران امامت حضرت امام حسن علیه السلام ۳۵

مرحله سوم؛ دوران قیام عاشورا ۳۵

مرحله چهارم؛ دوران امامت امام سجاد علیه السلام ۳۶

مرحله پنجم؛ دوران امامت امام باقر و امام صادق علیهم السلام ۳۶

- مرحله ششم؛ دوران امامت امام موسی بن جعفر علیه السلام ۳۸
- مرحله هفتم؛ دوران امامت امام رضا علیه السلام ۳۸
- مرحله هشتم؛ دوران خفقان و قطع امید از پیروزی ظاهری جبهه حق ۳۹
۳. انواع رویکردها در تفسیر و تحلیل واقعه عاشورا ۴۱
- ۱-۳. رویکرد سیاسی ۴۱
- ۲-۳. رویکرد فقهی ۴۲
- ۳-۳. رویکرد علوم انسانی، علوم اجتماعی و روان شناختی ۴۸
- ۳-۴. رویکرد عرفانی ۵۰

فصل اول: فلسفه و اهداف قیام عاشورا/۵۵

۱. اصلاح امت از طریق امر به معروف و نهی از منکر ۵۶
- ۱-۱. اصل امر به معروف و نهی از منکر ۶۰
- ۲-۱. امر به معروف و نهی از منکر در قرآن ۶۰
- الف. آیه ۱۰۴ سوره آل عمران ۶۱
- ب. آیه ۷۱ سوره توبه ۶۴
- ۳-۱. پیامدهای ترک امر به معروف و نهی از منکر ۶۷
- ۴-۱. بحث فقهی پیرامون روایات امر به معروف و نهی از منکر در واقعه عاشورا ۷۱
- الف. بحث سندی ۷۱
- ب. بحث دلالی ۷۲
- ۵-۱. پاسخ به شبهاتی پیرامون شرایط امر به معروف و نهی از منکر در قیام امام حسین علیه السلام ۷۵
- الف. احتمال تأثیر قیام امام حسین علیه السلام ۷۵
- ب. شرط «عدم احتمال ضرر» در امر به معروف و نهی از منکر ۷۶

۶-۱.	حیثیت تکلیفی امام حسین <small>علیه السلام</small> در قیام عاشورا.....	۷۸
۲.	احیای معالم دین و سیره پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>	۸۰
۳.	بقای جریان ولایت و تشیع.....	۸۱
۴.	شکست نقشه های پلید بنی امیه.....	۸۳
۵.	پایه ریزی جنبشی عاطفی، معنوی و اجتماعی برای تأمین آینده اسلام ..	۸۶
فصل دوم: بررسی مراحل و وقایع تاریخی زمینه ساز قیام عاشورا/۸۹		
۱.	وقایع زمینه ساز قیام در زمان حکومت علوی.....	۹۰
۱-۱.	تقابل حکومت علوی با بنی امیه.....	۹۱
۲-۱.	حکومت طلبی بنی امیه.....	۹۱
۳-۱.	مخدوش سازی چهره خاندان پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small> و تحریف تاریخ.....	۹۳
۴-۱.	تشویق جاعلان و راویان دروغین حدیث بر ضد اهل بیت <small>علیهم السلام</small>	۹۵
۲.	بررسی حوادث و شرایط عصر امام حسن <small>علیه السلام</small>	۹۶
۱-۲.	موقعیت شناسی شام و کوفه در زمان امام حسن <small>علیه السلام</small>	۹۷
	الف. خصوصیات شام.....	۹۷
	ب. خصوصیات کوفه.....	۹۸
۲-۲.	صلح امام حسن <small>علیه السلام</small> با معاویه.....	۹۹
۳-۲.	بررسی قرار داد صلح امام حسن <small>علیه السلام</small> با معاویه و خیانت معاویه.....	۱۰۰
	الف. حفظ امنیت شیعیان حضرت علی <small>علیه السلام</small>	۱۰۰
	ب. واگذاری انتخاب خلیفه بعد از معاویه به افکار عمومی مردم.....	۱۰۱
	ج. خودداری از لعن امام علی <small>علیه السلام</small> در منابر و اذان.....	۱۰۱
۲-۴.	نقض صلح نامه از سوی معاویه.....	۱۰۱
	الف. ظلم و ستم به شیعیان.....	۱۰۱

- ب. گرفتن بیعت برای یزید..... ۱۰۲
- ج. اهانت به حضرت امیر علیه السلام و شیعیان ۱۰۶
- ۲-۵. بررسی ولایت‌پذیری امام حسین علیه السلام و مردم کوفه ۱۰۶
۳. بررسی وقایع زندگی امام حسین علیه السلام هم‌زمان با معاویه ۱۰۹
- ۳-۱. خطبه‌های امام حسین علیه السلام در مورد فضایل حضرت علی علیه السلام ۱۱۲
- ۳-۲. ولایت‌عهدی یزید و اقدامات تثبیت‌ساز معاویه ۱۱۳
- ۳-۳. مرگ معاویه و آغاز خلافت یزید ۱۱۷
- ۳-۴. سیر شروع مبارزه امام حسین علیه السلام ۱۱۷
- الف. تغییر شرایط با مرگ معاویه و ردّ بیعت با یزید ۱۱۸
- ب. ارشاد عمومی و راهبرد امام حسین علیه السلام در برابر یزید ۱۲۴
۴. مراحل نهضت و حادثه عاشورا ۱۳۶
- ۴-۱. وقایع تا روز عاشورا ۱۳۹
- الف. رسیدن خبر شهادت حضرت مسلم بن عقیل ۱۳۹
- ب. خطبه ثعلبیه ۱۴۱
- ج. رسیدن سپاهیان حرّ ۱۴۲
- د. مهلت گرفتن امام علیه السلام برای دعا و نیایش ۱۴۴
- ۴-۲. وقایع روز عاشورا ۱۴۵
۱. آماده کردن لشکر در صبح عاشورا (با تحلیل دو سپاه) ۱۴۵
۲. شروع جنگ در صبح عاشورا ۱۴۵
۳. شهادت حضرت علی اکبر علیه السلام ۱۴۶
۴. شهادت حضرت عباس علیه السلام و یاران امام حسین علیه السلام ۱۴۸
۵. لحظات وداع و شهادت امام حسین علیه السلام ۱۵۱
۶. لحظه وداع اسرا با شهدای کربلا ۱۵۲

- ۳-۴. وقایع دوران اسارت ۱۵۲
- الف. تبلیغ عاشورا؛ مکمل قیام عاشورا ۱۵۲
- ب. آماده‌سازی کوفه برای ورود اسرا و خطبه امام سجاد علیه السلام ۱۵۴
- ج. خطبه حضرت زینب علیه السلام در مجلس یزید ۱۵۷
- د. پیروزی ظاهری و واقعی ۱۶۱
- ه. اربعین ۱۶۴
- ۴-۴. وقایع مدینه پس از بازگشت اسرا ۱۶۵
- الف. قیام توابین ۱۶۷
- ب. قیام مختار ثقفی ۱۶۷
- ج. پیامدهای نافرمانی از امام حسین علیه السلام بر جامعه مسلمین ۱۶۸
۵. موانع همراهی امت اسلام با سید الشهداء ۱۷۰
- ۱-۵. جهالت، نادانی و غفلت از جایگاه و مقام امام حسین علیه السلام ۱۷۱
- ۲-۵. ضعف اراده و کاهلی ۱۷۲
- ۳-۵. ترس و هراس ۱۷۴
- ۴-۵. ریاست طلبی، مقام دوستی و جاه طلبی ۱۷۴
- ۵-۵. مال دوستی و زراندوزی ۱۷۶
- ۶-۵. علاقه‌های افراطی به زندگی دنیوی و فرزند و همسر ۱۷۷
- ۷-۵. تعلقات عشیره‌ای ۱۷۸
- ۸-۵. وقوع فتنه و امواج ناگهانی در جامعه ۱۷۸
- ۹-۵. بی تفاوتی و ترک امر به معروف و نهی از منکر ۱۷۹
- ۱۰-۵. کینه و حسادت ۱۷۹
- ۱۱-۵. کم‌رویی و حیا ۱۸۰
- ۱۲-۵. آسایش طلبی ۱۸۰

۱۳-۵. فرصت طلبی امرا و بی تفاوتی مردم..... ۱۸۰

فصل سوم: نقش آفرینان قیام عاشورا/ ۱۸۳

۱. زندگی و نقش امام حسین علیه السلام در قیام عاشورا..... ۱۸۳

۱-۱. سیره و ویژگی های امام حسین علیه السلام..... ۱۸۴

الف. ضرورت الگوگیری از سیره معصومین علیهم السلام..... ۱۸۴

ب. بررسی مفهوم اسوه (شمول مفهوم اسوه نسبت به اقوال)..... ۱۸۵

ج. ارزش و آثار سیره..... ۱۸۶

د. کمال احترام و فضیلت های اخلاقی امام حسین علیه السلام از کودکی..... ۱۸۸

ه. شرافت امام حسین علیه السلام از نظروراثت و تربیت..... ۱۹۳

و. مهر و محبت پیامبر صلی الله علیه و آله و صحابه به امام حسین علیه السلام..... ۱۹۵

۲-۱. صفات ویژه امام حسین علیه السلام..... ۱۹۶

الف. سخاوت..... ۱۹۶

ب. شجاعت و صراحت لهجه امام..... ۱۹۶

ج. اخلاق خوب و گشاده رویی..... ۱۹۷

د. صبر و تحمل..... ۱۹۷

ه. وجود تجلیات خاص..... ۲۰۰

و. تربیت جامع خانوادگی..... ۲۰۰

ز. تجربه غنی و درک شرایط گوناگون اجتماعی-سیاسی..... ۲۰۱

ح. ولایت پذیری امام حسین علیه السلام نسبت به امام حسن علیه السلام..... ۲۰۱

ک. دورویداد آموزنده و تأثیرگذار در حادثه عاشورا..... ۲۰۲

۳-۱. عملکرد و خطبه های امام حسین علیه السلام در طول قیام..... ۲۰۴

الف. آیات مرتبط با امام حسین علیه السلام و قیام عاشورا..... ۲۰۴

ب. نامه ها و خطبه های امام حسین علیه السلام در طول قیام..... ۲۳۲

۲. زندگی و نقش امام سجاد علیه السلام در قیام عاشورا ۲۴۸
- ۱-۲. دوره‌های مختلف زندگی امام سجاد علیه السلام ۲۴۹
- دوره اول: زمان ولادت امام سجاد علیه السلام تا حادثه عاشورا ۲۵۰
- دوره دوم: بعد از شهادت امام حسین علیه السلام و دوره اسارت ۲۵۰
- دوره سوم: سی سال زندگی امام علیه السلام بعد از بازگشت کاروان به مدینه ۲۵۱
- ۲-۲. سیره و ویژگی‌های امام سجاد علیه السلام ۲۵۲
- الف. فضائل و مناقب امام سجاد علیه السلام ۲۵۲
- ب. میراث معنوی و علمی امام سجاد علیه السلام ۲۵۶
- ۳-۲. عملکرد و خطبه‌های امام سجاد علیه السلام در طول قیام ۲۶۰
- الف. خطبه‌های امام سجاد علیه السلام ۲۶۰
- ب. عملکرد امام سجاد علیه السلام ۲۶۹
۳. شخصیت و نقش حضرت زینب علیها السلام در قیام عاشورا ۲۷۴
- ۱-۳. مروری بر زندگی حضرت زینب علیها السلام ۲۷۴
- الف. تاریخ ولادت و وفات حضرت زینب علیها السلام ۲۷۴
- ب. نام‌گذاری حضرت زینب علیها السلام ۲۷۵
- ج. نسب و نزدیکان حضرت زینب ۲۷۶
- د. نقش فضای خانه در تربیت حضرت زینب علیها السلام ۲۷۷
- ه. مراحل زندگی حضرت زینب علیها السلام ۲۷۷
- ۲-۳. فضایل و ویژگی‌های حضرت زینب علیها السلام ۲۷۸
- الف. القاب حضرت زینب علیها السلام ۲۷۹
- ب. مقام حضرت زینب علیها السلام ۲۷۹
- ج. احترام و تکریم ائمه علیهم السلام نسبت به حضرت زینب علیها السلام ۲۸۱
- د. کمال و شجاعت ۲۸۲

- ه. عبادت ۲۸۳
- و. اسوه صبر و مقاومت ۲۸۴
- ز. مدیریت و رهبری حضرت زینب علیها السلام ۲۸۵
- ح. مقام تفسیر قرآن ۲۸۵
- ت. سخنوری ۲۸۵
- ۳-۳. خطبه‌ها و رسالت حضرت زینب علیها السلام ۲۸۶
- ۳-۳-۱. خطبه‌ها در دوران اسارت ۲۸۶
- ۳-۳-۲. عملکرد در دوران اسارت ۳۰۳
۴. زندگی و نقش حضرت عباس علیه السلام در قیام عاشورا ۳۰۷
- ۴-۱. تاریخ زندگی حضرت عباس علیه السلام ۳۰۷
- ۴-۲. ویژگی‌های حضرت عباس علیه السلام ۳۰۸
- الف. ویژگی‌های ظاهری حضرت عباس علیه السلام ۳۰۸
- ب. ایمان و جهاد حضرت عباس علیه السلام ۳۰۸
- ج. منزلت حضرت عباس علیه السلام در نزد ائمه علیهم السلام ۳۰۹
- ۴-۳. عملکرد و خطبه‌های حضرت عباس علیه السلام در طول قیام ۳۱۰
- شهادت حضرت عباس علیه السلام ۳۱۲
۵. ویژگی‌های اصحاب و یاران امام حسین علیه السلام ۳۱۴
- ۵-۱. توصیف اصحاب از زبان اباعبدالله علیه السلام ۳۱۴
- ۵-۲. بررسی تنوع اصحاب امام حسین علیه السلام از جنبه‌های گوناگون ۳۲۰
- ۱-۲-۵. تنوع سنی ۳۲۰
- ۲-۲-۵. تنوع جنسیتی ۳۲۱
- ۳-۲-۵. تنوع قبیله‌ای ۳۲۱
- ۴-۲-۵. تنوع شهری ۳۲۳

- ۳۲۴..... ۵-۲-۵. تنوع نژادی
- ۳۲۵..... ۵-۲-۶. تنوع سابقه عقیدتی، اخلاقی و اجتماعی
- ۳۲۶..... ۵-۲-۷. تنوع جایگاه اجتماعی
- ۳۲۶..... ۶. ویژگی‌های دشمنان امام حسین علیه السلام

فصل چهارم: پیام‌ها و درس‌های قیام عاشورا/۳۳۱

- ۳۳۲..... ۱. پیام‌های مقصود بالذات و مستقیم
- ۳۳۲..... ۱-۱. امر به معروف و نهی از منکر
- ۳۳۵..... ۲-۱. اعلام حق
- ۳۳۷..... ۳-۱. پیروی از امام علیه السلام و ایستادگی در برابر یزیدیان زمان
- ۳۳۹..... ۴-۱. لزوم پرهیز از بی‌طرفی و احساس ضعف در برابر باطل
- ۳۴۲..... ۵-۱. بصیرت در صحنه‌های امتحان الهی
- ۳۴۴..... ۶-۱. روحیه شاد و بانشاط در برابر سختی‌ها و دشواری‌ها
- ۳۴۶..... ۷-۱. لزوم آمادگی برای فداکاری در راه انجام وظیفه الهی
- ۳۴۷..... ۸-۱. درس قیام‌آفرینی
- ۳۴۹..... ۹-۱. پاس داشت حرمت کعبه
- ۳۵۰..... ۱۰-۱. توجه به امتحانات ویژه الهی
- ۳۵۰..... الف. آزمون‌های عام و معمولی
- ۳۵۰..... ب. آزمون‌های خاص و ویژه
- ۳۵۱..... ۱۱-۱. رسواسازی دشمنان
- ۳۵۴..... ۱۲-۱. لزوم شناخت دشمن
- ۳۵۴..... ۱۳-۱. استفاده از نشانه‌ها و نمادهای مقدس
- ۳۵۵..... ۱۴-۱. اولویت جبهه درونی نسبت به جبهه بیرونی

- ۱۵-۱. پیشگامی رهبران الهی و اهل بیت علیهم السلام ۳۵۵
۲. پیام‌های مقصود بالتبع و غیرمستقیم ۳۵۶
- ۱-۲. اهمیت دادن به تحکیم پایه‌های فکری و اعتقادی مردم ۳۵۶
- ۲-۲. فزونی نعمت در اثر شکر و فزونی عذاب در اثر کفران ۳۶۰
- ۲-۳. ایمان و اطمینان به خداوند متعال ۳۶۱
- ۲-۴. نیاز به نقش تأثیرگذار زنان در جامعه اسلامی ۳۷۰
- الف. موارد و مراحل نقش زنان در قیام عاشورا ۳۷۳
- ب. لزوم الگوگیری از شخصیت‌های بزرگ ۳۷۵
- ۲-۵. لزوم برنامه‌ریزی در کار ۳۷۸
- ۲-۶. امید به آینده ۳۷۸
- ۲-۷. ترجیح مرگ با کرامت بر زندگی همراه ذلت ۳۸۰
- ۲-۸. اخلاق و معنویت ۳۸۱
- ۲-۹. توجه به نماز، تلاوت قرآن و ذکر و یاد خدا ۳۸۱
- ۲-۱۰. عشق انسان‌های بریده از غیرخدا به خدا ۳۸۵
- ۲-۱۱. لزوم تطهیر و دوری از معصیت ۳۸۷
- ۲-۱۲. شناسایی حیات و مرگ واقعی ۳۸۷
- ۲-۱۳. هدایت و حمایت از مردم ۳۸۹
- ۲-۱۴. شعر، رجز و سرود ۳۹۰
- ۲-۱۵. مسابقه الی الخیرات ۳۹۱
- ۲-۱۶. دعا برای دیگران ۳۹۱
- ۲-۱۷. نفرین ۳۹۲
- ۲-۱۸. احترام به یکدیگر ۳۹۴
- ۲-۱۹. مناظره و مجادله ۳۹۵

۳۹۸ نفی تبعیض نژادی
۳۹۹ ۲۱-۲. نامه نگاری و مکاتبات اباعبدالله <small>علیه السلام</small>
۳۹۹ ۲۲-۲. روش مواجهه و گفتگوی چهره به چهره
۴۰۰ ۲۳-۲. لزوم حفظ روحیه و آرامش در یاران و همراهان
۴۰۲ ۲۴-۲. لزوم آزادی افراد در اتخاذ تصمیم
۴۰۳ ۲۵-۲. روش مهاجرت
۴۰۳ ۲۶-۲. ترسیم سیمای خانواده آرمانی

فصل پنجم: پیامدهای قیام عاشورا/۴۰۵

۴۰۵ ۱. پیامدهای ایجابی عاشورا
۴۰۵ ۱-۱. تلاش برای اصلاح حاکمیت اسلامی
۴۰۶ ۲-۱. رهایی امت اسلامی از ضلالت و گمراهی
۴۰۷ ۳-۱. ایجاد الگوی مقاومت و پایداری برای مسلمین
۴۰۷ ۴-۱. هویت بخشی و نهادینه سازی جریان اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۴۰۸ ۲. پیامدهای سلبی عاشورا
۴۰۹ ۱-۲. پیامدهای دنیوی
۴۱۰ الف. پیامدهای فردی
۴۱۳ ب. پیامدهای اجتماعی
۴۲۲ ۲-۲. پیامدهای اخروی
۴۲۲ الف. جایگاه خاص در جهنم و عذاب شدید
۴۲۳ ب. عدم برخورداری از شفاعت

فصل ششم: ویژگی‌ها و راز ماندگاری قیام

امام حسین علیه السلام / ۴۲۵

۱. عظمت و ایثار ابا عبد الله علیه السلام و یارانش ۴۳۰
۲. اوج اخلاص در یاران امام علیه السلام و اوج ددمنشی در دشمنان ۴۳۱
۳. جامعیت حادثه عاشورا ۴۳۵
۴. فضیلت، کمال و عظمت عاشورا ۴۳۸
۵. نیاز انسان به الگو و سنبل حرکت ۴۴۰
۶. ابدی بودن پیام عاشورا ۴۴۲
۷. عاشورا؛ تجسم قرآن ۴۴۳
۸. عاشورا؛ مکتب عشق و انسان‌سازی ۴۴۴
۹. عاشورا؛ مظهر عشق و رسیدن به سرچشمه معرفت ۴۴۷
۱۰. عاشورا؛ تجلی مقام رضا و تسلیم ۴۴۷
۱۱. عاشورا؛ مظهر جدایی حق و باطل ۴۴۹
۱۲. نابرابری سپاه امام حسین علیه السلام با سپاه یزید ۴۵۰
- ۱-۱۲. مقایسه از منظر مادی ۴۵۰
- الف. کمیت ۴۵۰
- ب. پشتوانه جنگ ۴۵۱
- ج. تجهیزات و تسلیحات جنگی ۴۵۱
- د. امنیت زنان و کودکان ۴۵۱
- ه. آب، غذا و امکانات ۴۵۲
- جمع‌بندی مقایسه مادی دو جبهه ۴۵۲

- ۱۲-۲. مقایسه از منظر معنوی..... ۴۵۲
۱۳. عاشورا؛ مجمع اضداد و دوگانه‌ها ۴۵۴
۱۴. اتخاذ تدابیر و تمهیدهای هوشمندانه ۴۵۵
۱۵. پیروزی امام حسین علیه السلام از طریق مظلومیت همراه با عزت ۴۵۸
۱۶. عاطفی و حماسی بودن عاشورا..... ۴۶۱
۱۷. تأثیر عاشورا در حوادث معاصر و ماندگاری اسلام و انقلاب اسلامی .. ۴۶۱

فصل هفتم: وظایف مسلمانان در قبال قیام عاشورا/۴۶۵

۱. معرفت و شناخت ۴۶۵
۲. محبت، احساس و عاطفه ۴۶۶
۳. ایمان به ولایت و امامت ۴۶۷
۴. رعایت ادب و احترام..... ۴۶۷
۵. زیارت ۴۶۷
- ممیزات زیارت در مکتب اهل بیت علیهم السلام نسبت به سایر مکاتب ۴۶۹
- الف. عمق معنی و مضمون زیارت در نگاه اهل بیت علیهم السلام ۴۶۹
- ب. گستردگی دامنه زیارت در نگاه تشیع ۴۷۰
- ج. برجستگی زیارت سالار شهیدان علیه السلام ۴۷۰
- د. برخورداری از ابعاد فردی و اجتماعی ۴۷۱
- ه. زیارت، مکتبی تربیتی ۴۷۱
- و. عاطفی، عقلی و معرفتی بودن زیارت..... ۴۷۱
۶. عزاداری ۴۷۲
- نکاتی در باب گریه و عزاداری ۴۷۴

۷. اهتمام به امر به معروف و نهی از منکر ۴۷۶
۸. الهام و عبرت‌گیری از قیام عاشورا ۴۷۷
۹. زنده نگه داشتن قیام عاشورا ۴۷۸

فصل هشتم: بایسته‌ها و آسیب‌های عزاداری / ۴۸۱

۱. بایسته‌های عزاداری ۴۸۱
- ۱-۱. برپا کردن عزاداری‌های باشکوه ۴۸۲
- ۲-۱. انتقال درس‌های عاشورا ۴۸۴
- ۳-۱. نشان دادن مظلومیت، ایثار و شجاعت اباعبدالله علیه السلام در عزاداری‌ها .. ۴۸۶
- ۴-۱. لزوم عاطفی و پرشور بودن عزاداری‌ها ۴۸۶
- ۵-۱. ضرورت توجه به شاخص‌های عزاداری امام حسین علیه السلام ۴۸۷
- ۶-۱. رعایت وحدت اسلامی ۴۸۷
- ۷-۱. صدق و اخلاص ۴۸۹
- ۸-۱. استفاده از عاشورا و عزاداری‌ها برای افزایش معرفت دینی ۴۸۹
- الف. آشنایی بیشتر جامعه با قرآن کریم ۴۹۰
- ب. آشنایی با مسائل اعتقادی ۴۹۱
- ج. آشنایی با روایات ۴۹۱
- د. آشنایی با احکام ۴۹۲
- ه. آشنایی با نهج البلاغه ۴۹۲
- و. آشنایی با صحیفه سجادیه ۴۹۳
- ۹-۱. کمک به حضور پیرنگ جوانان در عزاداری‌ها ۴۹۳
- ۱۰-۱. نکات قابل توجه برای مداحان و شعرای اهل بیت علیهم السلام ۴۹۴
- الف. پیوند عقل و حکمت با ظرفیت‌شناسی هنر در مکتب اهل بیت علیهم السلام ۴۹۴

ب. لزوم کسب معرفت و دانش	۴۹۶
ج. لزوم نزدیک شدن دو هنرمداحی و شعر	۴۹۷
د. لزوم تربیت نسل جدید مداحان و شعرا	۴۹۷
ه. قراردادن شعر و مداحی در خدمت ارتقای فرهنگ جامعه	۴۹۸
و. لزوم توجه به انقلاب اسلامی در اشعار و مداحی ها	۴۹۸
۲. آسیب شناسی عزاداری ها	۴۹۹
۱-۲. نفوذ تحریف ها و خرافات به سخنرانی ها و مداحی ها	۵۰۰
۲-۲. دروغ	۵۰۱
۳-۲. ریا و تظاهر	۵۰۱
۴-۲. دور شدن از روح واقعه و رسالت عاشورا	۵۰۲
۵-۲. ارائه تفسیرهای غلط	۵۰۳
۶-۲. استفاده از آهنگ ها و موسیقی های ناروا	۵۰۳
۷-۲. وجود اختلاف ها و انگیزه های غیر خالصانه	۵۰۴
کتابنامه	۵۰۶
نمایه آیات	۵۱۳
نمایه اعلام	۵۱۸
نمایه روایات	۵۳۱

سخن مؤسسه

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، رسالت حوزه‌های علمیه را دو چندان کرده است؛ نظام اسلامی برای تأمین پشتوانه‌ی تئوریک خود به منظور تصمیم‌گیری و اجرا باید مبانی علمی لازم را در اختیار داشته باشد، و این عرصه‌ای است که حوزه علمیه در کنار دیگر مجامع علمی باید در آن نقش فعال داشته باشد؛ زیرا بدون گسترش مرزهای علوم اسلامی به مباحث نوپدید و تولید علوم انسانی با رویکرد اسلامی، این نیاز پاسخ مناسب نمی‌یابد. ضرورت مجاهدت علمی به منظور پاسخگویی به مطالبات روزافزون و برحق جامعه‌ی دینی، آنگاه به اثبات می‌رسد که در نظر داشت؛ اولاً: تحولاتی جدید در مجموعه‌ی دانش بشری، به ویژه علوم انسانی رخ داده است، ثانیاً: زندگی انسان معاصربه واسطه پیشرفت در علوم و فناوری‌های جدید، دستخوش تطوراتی شگرف شده است، ثالثاً: شکل‌گیری نظام اسلامی، فرصت مناسبی را فراروی جامعه دینی قرار داده است تا به اهداف خود دست یابد؛ از این رو سرعت بخشیدن به فعالیت‌های علمی حوزوی به منظور توانمندسازی نظام اسلامی در این باره ضروری می‌نماید. «مؤسسه اشراق و عرفان» که فعالیت خود را از سال ۱۳۸۶ با نظارت علمی

و ریاست عالی آیت‌الله اعرافی آغاز کرده است، در عین تأکید بر اصالت‌های حوزوی، سعی در رفع نیازمندی‌های معرفتی انسان معاصر دارد؛ از این رو مأموریت‌های خود را «پژوهش در زمینه‌ی فقه‌های نو و فلسفه‌های مضاف بر مبنای روش اجتهادی در راستای نظام سازی اسلامی»، «پرورش پژوهشگران صاحب‌نظر در عرصه‌ی فقه‌های نو و فلسفه‌های مضاف و نظام‌سازی اسلامی» همچنین «جمع‌آوری، تنظیم و نشر ریاست عالی مؤسسه» قرار داده است تا بتواند به ایفای نقشی مؤثر در این مجال بپردازد.

«عاشورا» که چون «خورشید»ی خون‌فام بر تارک تاریخ نورافشانی می‌کند، علاوه بر این که دست‌مایه هنرمندان در خلق آثار هنری و ادبی بوده، مورد بحث و تحلیل عالمانه اندیشمندان نیز قرار گرفته است. این حادثه عظیم که نقطه عطفی در تاریخ تقابل جبهه حق و باطل است، از زوایای مختلف شایسته بررسی و عبرت‌آموزی است. کتاب حاضر، برگرفته از بیانات و آثار حضرت آیت‌الله اعرافی که در طول سالیان متمادی به مناسبت‌های مختلف ایراد شده است. تدوین و نشر این دیدگاه‌ها، گامی کوچک در بازخوانی این واقعه بصیرت‌افزا با رویکرد فهم زمینه‌ها و علل شکل‌گیری و فرجام حادثه با تأمل در فلسفه این قیام می‌باشد. مؤسسه اشراق بر خود لازم می‌داند از ایشان که اجازه نشر این اثر را داده، تشکر نماید، همچنین از تلاش‌های محقق ارجمند آقای محمد آزادی در تنظیم و تدوین این اثر و نیز از قبول زحمت جناب آقای علی بخشی در نظارت و ارزیابی آن تقدیر می‌نماید.

امید است صاحب‌نظران و اندیشوران اصولی، مؤسسه اشراق و عرفان را به منظور بهبود تولیدات علمی آینده، از نظرات و پیشنهادات سازنده خود محروم نسازند.

مقدمه

واقعه عاشورا که در سال ۶۱ هجری به وقوع پیوست حادثه‌ای جان‌گداز و درعین حال حماسی و الهام‌بخش است. این حادثه‌ای از فراز عصرها و مکان‌ها عبور کرده و همواره در میان ملت‌های مسلمان و حتی سایر جوامع بشری، به‌عنوان یک واقعه ماندگار و حماسه بزرگ مورد توجه، تجلیل و تکریم قرار گرفته و در ساحت‌های گوناگون زندگی مسلمانان نقش‌آفرین بوده است. برای فهم و درک عمیق این حادثه عظیم لازم است که با توجه به شرایط تاریخی آن زمان، با وقایع و مراحل که پیش از این قیام و نیز در طول قیام اتفاق افتاده آشنا شده و با دیدی جامع و دقیق به تحلیل آن نشست.

کتاب حاضر براساس سخنرانی‌ها و درس‌های استاد بزرگوار حضرت آیت‌الله اعرافی در سال‌های مختلف جمع‌آوری و تدوین شده است و سعی بر این بوده که حادثه عاشورا، با نگاهی تحلیلی و عمیق مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد؛ بر همین اساس، فصول هشت‌گانه آن، با بهره‌گیری از خطبه‌های حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) و بررسی وقایع تاریخی آن زمان، نگاهی عمیق و دقیق به خواننده ارائه می‌دهد.

در فصل اول، پیرامون «فلسفه و اهداف قیام عاشورا» به بررسی اهداف کلی و بنیادین عاشورا پرداخته می‌شود؛

در فصل دوم، با نگاهی تحلیلی «مراحل زمینه‌ساز و وقایع تاریخی قیام عاشورا» مورد کنکاش قرار می‌گیرد؛

در فصل سوم، مهم‌ترین «نقش‌آفرینان قیام عاشورا» معرفی شده و پس از نگاهی اجمالی به تاریخ زندگی هریک از این بزرگواران، سیره و ویژگی‌های آنان؛ عملکرد و خطبه‌هایی که در طول قیام داشته‌اند، بیان می‌شود؛

فصل چهارم، با توجه به الهام‌بخشی و درس‌های فراوان جریان عاشورا، به معرفی برخی از مهم‌ترین «پیام‌ها و درس‌های قیام عاشورا» اختصاص می‌یابد؛

در فصل پنجم، «پیامدهای قیام عاشورا» مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد؛ در فصل ششم، «ویژگی‌ها و راز ماندگاری قیام امام حسین علیه‌السلام» مورد بررسی قرار می‌گیرد؛

در فصل هفتم، مهم‌ترین «وظایف شیعیان در قبال قیام عاشورا» تبیین می‌شود؛

و بالاخره فصل هشتم به هم به بررسی برخی «بایسته‌ها و آسیب‌های عزاداری‌ها»، اختصاص می‌یابد.

بنابراین لازم است که در ابتدای امر، ضمن بررسی این سؤال بنیادین با تبیین علمی، زمینه را برای فهم و تحلیل بهتر سیره معصومین علیهم‌السلام فراهم نمود.

۱. وحدت شخصیت ائمه علیهم‌السلام در عین تفاوت و تفاضل

همواره این سؤال در اذهان وجود داشته که چرا ائمه معصومین علیهم‌السلام در مواجهه با مسائل زمان خود، دارای سیره و روش خاصی بوده و عملکردهای متفاوتی از ایشان شاهد هستیم؛ و این امر چگونه با احادیث و بیاناتی که دلالت بر «نور واحد» بودن این بزرگواران دارد، جمع می‌شود؟

ائمه طاهرین علیهم‌السلام همگی نور واحد بوده و در تفکر شیعه همه آنان را

شخصیتی واحد می‌دانیم؛ به‌طور مثال در زیارت جامعه کبیره به سند صحیحه^۱ می‌خوانیم: «وَأَنْ أَرْوَا حَكْمَكُمْ وَنُورَكُمْ وَطَيِّبَتِكُمْ وَاحِدَةً طَابَتْ وَطَهَّرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَارًا»^۲؛ «وهمانا ارواح و نور و سرشت شما یکی است، پاکیزه و پاک شد، برخی از آن از برخی دیگر است، خدا شما را نورهایی آفرید.» همچنین امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «عِلْمُنَا وَاحِدٌ وَفَضْلُنَا وَاحِدٌ وَنَحْنُ شَيْءٌ وَاحِدٌ»^۳؛ «علم و تمام فضایل ما یکی است و ما یک حقیقت هستیم.»

درواقع از پایه‌ها و بن‌مایه‌های فقه شیعه این مطلب است که زندگی کل معصومین علیهم السلام از زمان پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله تا انتهای حضور ائمه علیهم السلام، همچون زندگی شخص واحدی است که طی حدود ۲۵۰ سال در بین مسلمین حضور داشته و در حوزه‌های گوناگون همچون اخلاق، احکام و اعتقادات سخن گفته است؛ و متقابلاً، نحوه برخورد ما با سخنان و عملکرد معصومین علیهم السلام، همچون برخورد و تعامل با عملکرد و سخنان فرد واحدی است که طی ۲۵۰ سال، در یک برهه زمانی، فلان حدیث عام را به زبان آورده و در زمان دیگر، آن را با سخنی دیگر تخصیص زده است؛ تا به تدریج معارف دین را در بین مسلمین رواج دهد.

آنچه گفته شد، از مفروضات اجتهاد شیعی است و بدون این پیش‌فرض، سخنان ائمه علیهم السلام به‌منزله سخنان افراد گوناگونی خواهد بود که جمع‌کردن بین آن‌ها غیرقابل قبول بوده و در عین حال نمی‌توان سخن یکی را با سخن دیگری مقید ساخت یا تفسیر و تبیین نمود؛ اما زمانی که حضرات معصومین علیهم السلام را به‌عنوان شخص واحد در نظر بگیریم، با چنین اشکالی مواجه نشده و تمام این بزرگواران را به‌عنوان نور واحد به حساب خواهیم آورد.

۱. احمد بن علی نجاشی، رجال النجاشی، ص ۳۴۱.

۲. ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۳.

۳. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۳۱۷.

در اجتهاد شیعی، معصومین علیهم السلام حتی با قرآن کریم نیز به منزله نور واحد محسوب می‌شوند، زیرا تمام علوم آن حضرات، به‌طور مباشرت یا با واسطه، به علم پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رسد و علم ایشان به وحی بازمی‌گردد. بنابراین تمام معصومین علیهم السلام و قرآن کریم به منزله نور واحد بوده و کلام ایشان، کلام خداوند تبارک و تعالی محسوب می‌شود.^۱

حال این پرسش مطرح است که آیا بین ائمه معصومین علیهم السلام تفاضل هم وجود دارد و به عبارتی در بین خود از مراتب گوناگونی برخوردار هستند یا نه؟ این قول که بین این بزرگواران تفضیل و تفاضل باشد، قوی است و ظاهر برخی روایات، حاکی از آن است که بین ایشان تفاوت‌هایی وجود دارد^۲ و برخی از ایشان، مزایا و تفاضل‌های مطلق دارند که در دیگران نیست؛ به‌طور مثال شخصیت امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت به سایر ائمه علیهم السلام تفاضل مطلق دارد^۳ و در مورد اباعبدالله علیه السلام و حضرت مهدی علیه السلام نیز ویژگی‌هایی ذکر شده که مختص این حضرات بوده و به همین خاطر نوعی برجستگی در میان سایر ائمه علیهم السلام دارند.^۴

۱. درس خارج فقه، اجرت برواجبات، ۱/۰۸/۱۳۹۲، شماره ثبت اشراق ۳۴۰۶.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۷۵: برای مثال امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص نَحْنُ فِي الْأَمْرِ وَالْفَهْمِ وَالْحَلَالِ وَالْحَرَامِ نَجْرِي مَجْرَى وَاحِدًا فَأَمَّا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَعَلِيُّ ﷺ فَلَهُمَا فَضْلُهُمَا»؛ «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند ما در امر و فهم و حلال و حرام در یک درجه ایم؛ اما رسول الله صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام فضیلت‌های خودشان را دارند» محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۳: امام حسین علیه السلام آن‌گاه که به حضرت زینب علیها السلام دل‌داری می‌داد، فرمود: «كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَ اللَّهِ تَعَالَى الَّذِي خَلَقَ الْخَلْقَ بِقَدْرَتِهِ وَيَبْعَثُ الْخَلْقَ وَيَعُودُونَ وَهُوَ قَدْرٌ وَحْدَهُ وَإِبِي خَيْرٌ مِنِّي وَأُمِّي وَأَخِي خَيْرٌ مِنِّي»؛ «هر چیزی غیر از ذات مقدس پروردگار هلاک خواهد شد. همان خدائی که خلق را به قدرت خود آفریده و خلق را خواهد برانگیخت و یکه و تنها است. پدرم از من بهتر، مادرم از من نیکوتر و برادرم از من برتر بود.»

۳. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۲۹: امام صادق علیه السلام: «عَلِيُّ أَوْلُنَا وَأَفْضَلُنَا وَخَيْرُنَا بَعْدَ النَّبِيِّ ﷺ»؛ «اول، افضل و بهترین ما بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام است.»

۴. درس خارج فقه، اجرت برواجبات، ۱/۰۸/۱۳۹۲، شماره ثبت اشراق ۳۴۰۶.

با توجه به این که از یک سو به «کلهم نور واحد» بودن ائمه علیهم السلام قائل شدیم و از سوی دیگر برای برخی از ایشان تفاضل‌های مطلق یا نسبی ذکر کردیم، این سؤال پیش می‌آید که علت این تفاضل‌ها و تفاوت‌های موجود در عملکرد ائمه چیست؟ و به چه دلیل امامی در زمان خود دست به قیام و امام دیگر دست به صلح می‌زند؟ چرا یک امام صبغه فرهنگی قوی‌تری دارد و دیگری در جهاد و برخورد نظامی با دشمن قوی‌تر است؟ و در کل باید توضیح داد که تفاوت مواضع ائمه هدی علیهم السلام در مقابله با مسائل سیاسی و اجتماعی زمان خود، از چه امری ناشی می‌شود.

برای درک بهتر علت تفاوت موضع در عملکرد ائمه اطهار علیهم السلام، نیازمند بررسی عوامل تأثیرگذار در این تفاوت مواضع هستیم که تمامی یا برخی از این عوامل در میان علما، فقها و یا چهره‌های سیاسی و اجتماعی دیده می‌شود؛ این عوامل تأثیرگذار عبارتند از:

۱. شرایط اجتماعی متفاوت: یک عامل شرایط اجتماعی متفاوتی است که واکنش‌های مختلفی را ایجاد می‌کند؛ به طور مثال شرایط اجتماعی در زمان حاج شیخ عبدالکریم حائری با امام خمینی رحمتهما علیه بسیار متفاوت بود و همین امر باعث شد که امام رحمتهما علیه امکان قیام علیه حکومت پهلوی را پیدا کنند اما حاج شیخ عبدالکریم حائری به دلیل سخت‌تر و پیچیده‌تر بودن شرایط، موفق به این امر نشوند.

۲. تفاوت آرا: عامل دوم، به تفاوت آرای این بزرگان برمی‌گردد و همین اختلاف در فتوا و آرای آنان، باعث می‌شود که عملکرد متفاوتی را از خود نشان دهند.

۳. گوناگونی روحیه‌ها: عامل دیگر، روحیات افراد است؛ افراد بر اساس روحیات گوناگونی که دارند، در مواجهه با اتفاقات عصر خود، تصمیم‌ها و عملکردهای مختلفی از خود نشان می‌دهند.

در مورد ائمه اطهار علیهم السلام تفاضل‌ها و تفاوت عملکردها به این شدت نیست و نمی‌توان ادعا کرد که تفاوت شخصیتی یا تفاوت آرای آنان موجب تفاوت مواضع و عملکردهای آنان بوده است؛ در واقع تفاوت موجود در میان ائمه علیهم السلام، تنها در عامل اول منحصر می‌شده و این بزرگواران همچون شخص واحدی بودند که به خاطر تفاوت شرایط زمانه و موقعیت‌ها و اقتضائات مختلفی که در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون وجود داشته، عملکردها و مواضع مختلفی را در پیش می‌گرفته‌اند. تفاضل در میان ائمه علیهم السلام بیشتر در مراتب عرفانی و میزان قرب الی الله ایشان است و در حدی نیست که در مواضع سیاسی و اجتماعی آنان هم نمودار شده و باعث تفاوت عملکرد آنان شود؛ برای این اساس اگر امام صادق علیه السلام در عصر امام حسین علیه السلام حضور داشت، عیناً همان اقداماتی را انجام می‌داد که جد بزرگوارشان انجام داد و هرچند که قائل به تفاضل‌های اندک در مقامات ائمه علیهم السلام باشیم، قابل قبول نیست که این امر را در عملکردهای آنان مؤثر بدانیم؛^۱ یا در مورد تفاوت عملکرد امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام باید دانست که هر دو بزرگوار یک هدف را دنبال می‌کردند، اما زمانه هر کدام از این دو امام، عملکرد خاصی را اقتضاء می‌نمود. گاهی تصورات اشتباهی درباره صلح امام حسن علیه السلام و جنگ امام حسین علیه السلام بیان می‌شود و علت این تفاوت در عملکرد را به تفاوت شخصیت و روحیات این دو بزرگوار نسبت می‌دهند. این امر از ریشه، باطل و غلط است و در ساحت مقدس خاندان اهل بیت علیهم السلام، سکوت و جنگ برای خداوند متعال و ترقی اسلام است و انسانی در این دنیا مسلمان واقعی محسوب می‌شود که بنده تکلیف باشد؛ البته تکلیف و وظیفه، برآیند خطوط کلی‌ای است که با شناخت زمان و موقعیت‌های موجود در آن، ترسیم می‌شود و هنگامی که انسان مسلمان زمان و موقعیت‌های موجود در آن

۱. همان.

را به خوبی بشناسد، می‌تواند به تکلیف و وظیفه‌ای که برعهده دارد پی ببرد؛ به عبارت دقیق‌تر، تکلیف مرکب از دو عنصر است:

۱. خطوط و موانع کلی که خداوند متعال در فقه و اخلاق ابلاغ نموده است.

۲. زمان، مکان و موقعیت‌های اجتماعی که در هر عصر وجود دارد.

تکلیف هر شخص با تطبیق قوانین و مقرراتی کلی‌ای که به وسیله خداوند متعال ابلاغ شده، با شرایط و مقتضیات زمانی که در آن قرار دارد، تعیین می‌شود و شخص پس از این تطبیق باید به همین وظیفه عمل کند. این امر در مورد ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز صادق است و این بزرگواران براساس موقعیت‌های زمانی و شرایط اجتماعی عصر خویش، تکالیف و وظایف مشخصی دارند و با توجه به عصمت ایشان در زمینه شناخت حکم کلی و قوانین الهی و نیز شناخت موقعیت‌های سیاسی و اجتماعی زمانه، روشن است که تصمیماتی که ائمه اطهار علیهم‌السلام در همه ابعاد می‌گرفته‌اند، تصمیماتی دقیق و تضمین شده بوده و به هیچ وجه براساس میل شخصی و تفاوت روحیات آنان نبوده است.

با توجه به این مقدمات، تفاوت امام حسن علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام در تصمیم‌گیری نیز از همین امر نشأت گرفته و ناشی از امور دیگر نبوده است؛ در روایتی از پیامبرگرمی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل شده که «الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ إِمَامَانِ قَامَا أَوْ قَعَدَا»؛ «حسن و حسین علیه‌السلام امام (و جانشین من) هستند، چه قیام کنند و چه بنشینند»؛ بنابراین صلح امام حسن علیه‌السلام و قیام امام حسین علیه‌السلام ناظر به یک هدف و در یک راستا بود و این تنها شرایط و مقتضیات زمانه بود که وظایف مختلفی را برای این دو امام ایجاب نمود؛^۲ در واقع همان‌طور که رسول

۱. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۹۱.

۲. سخنرانی درباره تاریخ سیاسی اسلام، شماره ثبت اشراق ۴۰۷۴.

خدا ﷺ تحقق اسلام و گسترش ایمان در میان جامعه و هدایت خلق خدا را به عنوان هدف بزرگ خود دنبال می‌کرد و اگر مانعی در برابر هدایت و راهنمایی خلق خدا نبود، قلب‌های مشتاق آن را می‌پذیرفت و نیاز به جنگ، جهاد و درگیری نبود و هنگامی که موانعی در برابر این مصلحت عالی و هدف بزرگ پیدا می‌شد، حضرت جنگ را نیز تجویز می‌نمود، ائمه معصومین علیهم‌السلام هم در جهت تحقق همین هدف والا، با توجه به شرایط و مقتضیات زمان خود، جنگ یا صلح را برمی‌گزیدند و بهترین عملکرد و تصمیم ممکن برای نیل به اهداف پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را انتخاب می‌کردند. این قاعده جنگ و صلح در اسلام است؛ اسلام در ابتدای امر طرفدار صلح، آرامش و امنیت است؛ اما در عین حال در شرایطی که هدف بزرگ الهی نیازمند جان‌فشانی، ایثار، وارد شدن در کارزارهای سخت و دشوار باشد، اسلام و پیشوایان آن، جنگ را تجویز می‌نمودند. از نگاه اسلام، جنگ و صلح هر دو می‌توانند هم خوب و هم ناپسند باشند؛ مهم این است که در چه راهی و برای چه هدفی به کار گرفته شوند.^۱

۲. تقسیم ادوار ائمه علیهم‌السلام

در طول حدود ۲۵۰ سالی که ائمه اطهار علیهم‌السلام پس از نبی مکرم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در بین مردم حضور داشته‌اند، با توجه به شرایط و اقتضائات زمان هریک از ائمه باید به شیوه‌ای خاص عمل می‌کردند و همین امر باعث شده که بتوان دوران حضور این حضرات را با توجه به زمینه و زمانه خاص خود، به مراحل گوناگونی تقسیم نمود.

۲-۱. خطوط و جبهه‌های مختلف حضور ائمه علیهم‌السلام

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام عموماً در بیش از دو قرن مبارزه، تلاش

۱. خطبه نماز جمعه میبد، ۲۰/۲/۱۳۸۱، شماره ثبت اشراق ۳۹۹۹.

و مجاهدت‌های گوناگون، دست‌کم در چهار جبهه و عرصه هم‌زمان حضور داشته و در هر یک از آن چهار قلمرو با برنامه‌ریزی و دقت تمام، جامعه و پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام را هدایت می‌کرده‌اند. خطوط و جبهه‌هایی را که ائمه هدی علیهم‌السلام در آن، حضور عالمانه و با برنامه‌ای داشته و اصحاب و یاران آن حضرات، آنان را همراهی می‌کرده‌اند، می‌توان این‌گونه برشمرد^۱:

الف. مواجهه فکری، علمی و فرهنگی با خط الحاد

اولین مواجهه‌ای که ائمه هدی و پیشوایان معصوم علیهم‌السلام در آن حضور داشتند و از سوی خداوند مأمور بودند که به رسالتشان در این عرصه عمل کنند، مواجهه فکری، علمی و فرهنگی با خط الحاد و افکاری بود که از خارج از مناطق اسلامی به درون دنیای اسلام منتقل می‌شد و طبعاً انتقال این افکار الحادی و کفرآلود، اندیشه‌های دنیای اسلام را مشوش می‌نمود. جبهه کفر و شرک، روزگاری در درون جزیره‌العرب پایگاه داشت؛ اما پس از آنکه این افکار الحادی و کفرآلود و شبهات در دنیای اسلام دچار ضعف و سستی شد، از بیرون جهان اسلام به دنیای اسلام هجوم آوردند. این امر که در زمان امام باقر علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام و حتی تا اعصار بعد، از جمله دوران امام رضا علیه‌السلام بسیار اوج گرفته بود، در طول تاریخ نیز ادامه یافت؛ براین اساس، برخورد و مقابله با تفکرات و نظام‌های معرفتی وارداتی یکی از مواجهه‌های بسیار مهم اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام و اصحاب و یاران آن‌ها بوده است.^۲

ب. مواجهه با اندیشه‌های کلامی و فقهی دیگر مذاهب اسلامی

دومین مواجهه و جبهه فکری و معرفتی ائمه هدی علیهم‌السلام مواجهه با اندیشه‌های کلامی، اعتقادی، حدیثی، تفسیری و فقهی، دیگر مذاهب اسلامی بوده است.

۱. سخنرانی در دهه کرامت در جمع طلاب غیرایرانی، ۱۳۸۴/۹/۲۰، شماره ثبت اشراق ۳۱۰۵.

۲. همان.

پس از ارتحال نبی گرامی اسلام ﷺ به تدریج در درون امت اسلام، مذاهب گوناگونی شکل گرفت و طبیعتاً ائمه علیهم السلام باید برای هدایت امت و حفظ کیان اسلام ناب در برابر افکار و اندیشه‌های مذاهب اسلامی در عرصه‌های کلامی، فقهی، حدیثی و تفسیری که با مکتب اهل بیت علیهم السلام تفاوت‌های زیادی داشت، حضوری عالمانه از خود نشان می‌دادند تا افکار امت را روشن نموده و از کیان اسلام ناب دفاع کنند. اگر در تاریخ اهل بیت علیهم السلام دقت شود، روشن است که ائمه علیهم السلام در میدان دوم به دو نکته توجه داشته‌اند:

۱. حفظ وحدت امت اسلامی و رعایت مسائل کلان اسلامی در برابر بیگانگان و دشمنان اسلام؛

۲. صیانت از اسلام ناب و مرزهای اعتقادی تشیع و مکتب پرافتخار

اهل بیت علیهم السلام.

جمع بین این دو امر، کار بسیار دشواری بود؛ زیرا باید از یک سواز مرزهای اعتقادی تشیع صیانت می‌نمودند و از سوی دیگر به مسائل امت اسلامی و وحدت امت اسلامی توجه می‌کردند که در مقام عمل، ائمه اطهار علیهم السلام با درایت، تیزبینی و هوشیاری در این قلمرو و میدان، موفق بودند و در عین صیانت از مرزهای اعتقادی شیعه و پایگاه تشیع، نگذاشتند که مصالح امت اسلامی و وحدت امت اسلامی دچار آسیب شود.^۱

ج. مواجهه با کج‌روی‌ها و انحرافات درون تشیع

سومین مواجهه‌ای که ائمه علیهم السلام باید در آن، نقش ارشادی و هدایتی خود را ایفا می‌کردند، مواجهه با کج‌روی‌های درون شیعیان و انحرافات بود که در طول تاریخ حضور ائمه هدی علیهم السلام در میان تشیع به وجود می‌آمد. در مقاطع گوناگون جریان‌ات انحرافی زیادی از شیعه اثناعشری جدا و موجب گمراهی

۱. همان.

بسیاری از شیعیان می‌شدند. بعد از امامت امام حسین علیه السلام تا زمان امامت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام تقریباً پس از شهادت هریک از پیشوایان شیعه، جریانی انحرافی شکل می‌گرفت که قائل به توقف در امام قبلی یا امامت شخصی غیر از ائمه معصومین علیهم السلام می‌شد و از بیعت با امام بعد امتناع می‌کرد؛ بر همین اساس جریانات انحرافی زیادی در درون شیعیان شکل گرفتند که یکی از رسالت‌ها و مأموریت‌های ائمه هدی علیهم السلام و یاران باوفای آن حضرات را مقابله با این فرقه‌های انحرافی قرار داد.

ائمه معصومین علیهم السلام در هر برهه و مقطع زمانی، به این ریزش‌ها توجه می‌کردند و با نمایان کردن چهره منافقان و کسانی که در میانه راه از جریان حق جدا می‌شدند، از انحراف سایر شیعیان جلوگیری می‌نمودند؛ بدین ترتیب، ایشان با روشنگری‌های خود، افکار شیعیان را از این انحرافات مصون نگه داشته و امتداد و استمرار خط امامت را تضمین کردند.^۱

د. مواجهه سیاسی و اجتماعی با خلفا

مواجهه سیاسی و اجتماعی با خلفا، چهارمین میدان مواجهه‌ای بوده که ائمه هدی علیهم السلام در آن حضور داشتند؛ این میدان برهه‌های مختلفی داشته است و در مقاطع گوناگون ائمه اطهار علیهم السلام با جریان خلافت بنی‌امیه، بنی‌مروان و جریان سیاسی خلفای بنی‌عباس رقابت داشته‌اند؛ البته باید متذکر شد که مراد از خلافت، خلافتی است که در مسیر صحیح تعالیم اسلام و ارزش‌های متعالی آن نیست و الا خلافت همواره مقابل امامت نیست و خلافتی که در مسیر صحیح باشد، روی دیگر امامت و شأنی از شئون امام است.

بر اساس این مبنا، در دوره بنی‌امیه شاهد شکل‌گیری یک خط سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به نام خلافت هستیم که با خلافت پیامبر صلی الله علیه و آله فاصله

۱. همان.

بسیار زیادی دارد. این نوع خلافت، دارای طیف‌های مختلفی بود. در واقع این خلافت، نوعی حکومت پادشاهی بوده که با ارزش‌های اسلامی و غیراسلامی آمیخته شده بود. اگرچه شکل‌گیری این نوع خلافت، در زمان بنی‌امیه اتفاق افتاده بود اما در دوران خلافت بنی‌مروان و بنی‌عباس نیز با فراز و فرودهایی به کار خود ادامه داد؛ بنابراین در این دوران شاهد خلافتی هستیم که بیشتر به پادشاهی و استبداد نزدیک است و خونریزی، ظلم و ستم و تهی‌دستی در حوزه معارف اسلامی و دوری از اندیشه ناب اسلام، از ویژگی‌های بارز سردمداران آن محسوب می‌شود. این خط خلافت، در برابر امامت به مفهوم علوی و حسینی و رضوی قرار می‌گیرد و در تاریخ اسلام همواره رقابت و نبرد این دو خط خلافت و امامت را، در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، معرفتی و فکری شاهد بوده‌ایم.^۱

۲-۲. مراحل تقابل خلافت و امامت

مهم‌ترین تقابل ائمه اطهار علیهم‌السلام با رقبا و جبهه‌هایی که در برابر ایشان وجود داشته، تقابل با خلفای اموی و عباسی بوده و بر همین اساس، می‌توان این تقابل را در هشت مرحله بررسی نمود:

مرحله اول؛ دوران امامت حضرت علی علیه‌السلام

مرحله نخست تقابل، در دوران امام علی علیه‌السلام و در رقابت با معاویه شکل گرفت و جنگ صفین، نمونه این تقابل محسوب می‌شود. در این دوران پایه‌های رقابتی طولانی و پرفراز و نشیب شکل گرفت که سال‌های سال ادامه یافت و به صورت جنگ، صلح و رقابت علمی و فرهنگی ظهور و بروز پیدا کرد. امیرالمؤمنین علیه‌السلام در این دوره علاوه بر رقابت با معاویه و سایر گروه‌های انحرافی صدر اسلام، به این خاطر که حکومت به امام شیعیان رسیده بود،

۱. سخنرانی در همایش امام رضا علیه‌السلام، شهریور ۱۳۹۴، شماره ثبت اشراق ۶۰۰۲ - ۳۱۰۵.

باید الگویی از شیوه حکومت شیعی و علوی ارائه می‌داد.^۱

مرحله دوم؛ دوران امامت حضرت امام حسن علیه السلام

تقابل دو طیف (خلافت و امامت) که در جنگ صفین و ماقبل آن ریشه داشت، در عصر امام حسن علیه السلام با توجه به شرایط ویژه و پیچیده‌ای که به وجود آمد، در قالب یک معاهده صلح بروز یافت و به نوعی منجر به آتش بس موقت بین این دو جبهه گردید.^۲ در حقیقت امام حسن مجتبی علیه السلام همچون سایر ائمه علیهم السلام دو هدف کلی را دنبال می‌کردند:

۱. بقای اسلام به طور عام و کلی

۲. بقای جریان حق و عترت و خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله

از طرف دیگر، در درون جامعه کوفه، عوامل مزدور معاویه با شایعه‌پراکنی، تهدید و تطمیع، مردم را از امام دور می‌کردند و کار به جایی رسید که پس از سخنرانی امام حسن علیه السلام در میان این مردم سست عنصر، جمعیت فراوانی از آنان فریاد زدند: «بَلِ الْبَقِيَّةِ وَالْحَيَاءِ»^۳ «ما می‌خواهیم بمانیم و زنده باشیم.» با این شرایط امام یا باید صلح را برمی‌گزید یا به شهادت تن می‌داد، اما این شهادت در آن زمان هیچ نتیجه‌ای نداشت و به قیمت نابودی کل شیعیان تمام می‌شد، چون اکثر شیعیان در کوفه حضور داشتند و با این وضعیت، لشکر معاویه به راحتی تمام آنان را قلع و قمع می‌کرد.^۴

مرحله سوم؛ دوران قیام عاشورا

اوج این تقابل به لحاظ ظاهری و برخورد فیزیکی، در حادثه عاشورا قابل

۱. سخنرانی در همایش امام رضا علیه السلام، شهریور ۱۳۹۴، شماره ثبت اشراق ۶۰۰۲ - ۲۷۷۹.

۲. سخنرانی در همایش امام رضا علیه السلام، شهریور ۱۳۹۴، شماره ثبت اشراق ۶۰۰۲.

۳. محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۲.

۴. خطبه نماز جمعه میبد، ۱۳۸۱/۰۲/۲۰، شماره ثبت اشراق ۳۹۹۹.

مشاهده است و به همین دلیل عاشورا اوج تقابل دو تفکر رقیب در هدایت و رهبری امت اسلامی به حساب می‌آید. در دوران امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام این منحنی حالت صعودی به خود گرفت و در عاشورا، به نقطه عطف و اوج خود رسید. در زمان یزید، دستگاه تبلیغی بنی امیه و سیره فاسد و سرشار از پلیدی و منکرانان چنان تأثیری در جامعه اسلامی گذاشته بود که بیم آن می‌رفت که اسلام حقیقی که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله برای جهانیان به ارمغان آورده بود، به کلی فراموش شده و جای خود را به تفکراموی دهد؛ به همین خاطر امام حسین علیه السلام برای احیای اسلام و سنت جد بزرگوارشان، راهی جز قیام و شهادت نداشتند. بعد از عاشورا، این منحنی نبرد، به سمت سراسیمگی رفت و از حالت نبرد سخت و جنگ با سلاح، به شکل جنگ نرم درآمد.^۱

مرحله چهارم؛ دوران امامت امام سجاد علیه السلام

مبارزه امام سجاد علیه السلام با جبهه دشمن، به خاطر خفقان و استبداد شدیدی که وجود داشت، بیشتر با حرکت‌های فرهنگی و در قالب دعا و مناجات ادامه یافت و امام علیه السلام شرایط را برای مبارزه علنی تر مهیا نمی‌دیدند؛ زیرا با حادثه دلخراش کربلا، جبهه حق به شدت در اقلیت قرار داشت و هرگونه جنگ و تقابل فیزیکی با حکومت اموی می‌توانست به قیمت شهادت تمام خاندان اهل بیت علیهم السلام تمام شود. امام علیه السلام در این دوره بیشتر در جهت تثبیت و ترویج فرهنگ اسلامی و به‌طور خاص فرهنگ شیعی تلاش کرد و پایه‌های بسط و رشد تشیع را بنا نهاد.^۲

مرحله پنجم؛ دوران امامت امام باقر و امام صادق علیهم السلام

در این مرحله، جنبش بسیار عظیم علمی و فرهنگی این دو امام بزرگوار

۱. سخنرانی در همایش امام رضا علیه السلام، شهریور ۱۳۹۴، شماره ثبت اشراق ۶۰۰۲-۲۷۷۹.

۲. همان.

را شاهد هستیم تا جایی که زمینه خوبی برای گسترش و تبلیغ علوم ائمه اطهار علیهم السلام و پرورش شاگردان متعدد پدید آمد. در واقع، اگرچه اوج تقابل فیزیکی (سخت افزاری) خطوط خلافت و امامت در واقعه عاشورا است، اما منحنی رقابت این دو جبهه بعد از واقعه عاشورا نزول پیدا نمی‌کند و تنها شکل دیگری به خود می‌گیرد و به تقابل نرم افزاری تبدیل می‌شود؛ تقابلی که در زمان امام سجاد علیه السلام به شکل دعا و در زمان امام باقر و امام صادق علیهما السلام به شکل علمی و فرهنگی درمی‌آید و به اوج خود می‌رسد. امام باقر و امام صادق علیهما السلام عصر خود را به دوره گذار و انتقالی عظیم تبدیل کردند و به مکتب تشیع، عظمت و شکوهی بخشیدند که امکان بقاء، گسترش و ترویج را برای آن مهیا ساخت و زمینه شناخت بهتر اسلام ناب را فراهم نمود.^۱ در این دوره، امام صادق علیه السلام به طور هم‌زمان در چند میدان در تلاش بودند: از یک سو، در میدان مبارزه سیاسی با دستگاه خلافت بوده؛ و از سوی دیگر در میدان علم و دانش، با جریانات کلامی، حدیثی، تفسیری و فقهی گوناگون، رقابت می‌کردند؛ با این وجود، امام علیه السلام علاوه بر موفقیت در تمام این عرصه‌ها، به لحاظ کمی و کیفی موفقیت زیادی در نشر و گسترش علوم و تربیت شیعیان کسب کردند و نتیجه آن، در کنار اخبار و احادیث بی‌شماری که از ایشان به یادگار مانده، شاگردان و عالمان بزرگی است که در علوم و دانش‌های گوناگون سرآمد عصر خود بودند. بر همین اساس، میراثی عظیم و بسیار متنوع در زمینه‌های کلامی، اعتقادی، اخلاقی، تفسیری، حدیثی و فقهی از این دو امام هم‌امام باقی مانده که ضمن شکل دادن پایه‌های تفکر شیعی، زمینه را برای بقاء، نشر و گسترش این تفکر در برهه‌های بعد، مهیا نمود.^۲

۱. همان.

۲. جلسه بانخبگان جامعه المصطفی، شماره ثبت اشراق ۲۷۷۹.

مرحله ششم؛ دوران امامت امام موسی بن جعفر علیه السلام

مبارزه علمی و فرهنگی در زمان امام موسی بن جعفر علیه السلام نیز ادامه یافت و بیشتر اهتمام و تلاش این امام بزرگوار، در همین جهت صرف می‌شد. البته به دلیل سخت‌تر شدن شرایط و فشار مضاعف حکومت، امام کاظم علیه السلام نمی‌توانستند در ابعادی نظیر ابعاد دوره امام باقر و امام صادق علیه السلام، به تبلیغ، تعلیم و تربیت بپردازند، اما جهت‌گیری کلی ایشان نیز در همان مسیر مبارزه علمی و فرهنگی ادامه یافت.^۱

مرحله هفتم؛ دوران امامت امام رضا علیه السلام

مرحله هفتم، دوران امامت امام رضا علیه السلام و به خصوص دوران ولایت عهدی ایشان می‌باشد. مأمون انسانی بسیار زیرک و باهوش و اهل علم و دانش بود. این هوش زیاد او باعث شد که از یک سو بر برادرش پیروز شود و دستگاه بزرگ عباسی را به فرمان خود درآورد؛ و از سوی دیگر در حالی که بعد از هارون الرشید، دنیای اسلام دچار تزلزل شده و در گوشه و کنار قلمرو اسلامی، جنبش‌هایی شروع به روییدن کرده بود، تدبیر مأمون در آرام کردن شرایط، با موفقیت همراه شد و ثبات و اقتدار مناسبی برای خلافت بنی‌عباس ایجاد گشت.

اقدام مأمون برای اعطای ولایت عهدی به امام رضا علیه السلام نیز از هوش سرشار وی ناشی شد که حتی برای دستگاه بنی‌عباس نیز امر بسیار جدیدی بود و اعتراض‌های مختلفی را متوجه او نمود. در واقع مهم‌ترین راهبرد مأمون، در این دوره، تلاش برای هضم امامت در خلافت بود؛ مأمون سعی داشت که با این تدبیر، تاریخ گذشته امامت را در خلافت هضم کند. امام رضا علیه السلام نیز با تدبیر بسیار پیچیده و با نوعی مدیریت و مهندسی الهی، این راهبرد مأمون را خنثی نموده و این تهدید را به فرصتی برای ترویج و معرفی بهتر اسلام ناب شیعی

۱. سخنرانی در همایش امام رضا علیه السلام، شهریور ۱۳۹۴، شماره ثبت اشراق ۶۰۰۲.

تبدیل کرد. این دوره، با تمام ادواری که تاکنون بیان کردیم تفاوت دارد؛ زیرا دو راهبرد بسیار پیچیده از سوی این دو خط (خلافت و امامت) در برابر هم قرار گرفت. پیچیدگی این دو راهبرد در هیچ‌یک از آن دو منحنی سخت‌افزاری و نرم‌افزاری وجود نداشته است. در نتیجه این مرحله را باید از دو منحنی قبل جدا نمود.^۱

مرحله هشتم؛ دوران خفقان و قطع امید از پیروزی ظاهری جبهه حق

از عهد امام جواد علیه السلام دوره تازه‌ای در تاریخ ولایت و امامت شروع می‌شود؛ زیرا تا زمان امام رضا علیه السلام معارف اهل بیت علیهم السلام امکان بسط و گسترش مناسبی را پیدا کرد و امید بود که خط ولایت، به عنوان امتداد حقیقی نبوت و رسالت، در جامعه حاکمیت پیدا کند، اما هم‌زمان با شهادت امام رضا علیه السلام و شروع امامت امام جواد علیه السلام، شرایط به‌گونه‌ای پیش رفت که امکان پیروزی ظاهری و به حکومت رسیدن ائمه علیهم السلام بسیار کم‌رنگ شد و به همین جهت در دوره امام جواد علیه السلام، امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام امیدی به پیروزی ظاهری جبهه حق، وجود نداشت. در حقیقت، در این دوره نیز بار دیگر جامعه نشان داد که هنوز ظرفیت پذیرش حاکمیت خط ولایت را ندارد و به همین خاطر ائمه علیهم السلام در این دوران، در کنار مأموریت‌های متعارف امامت و ولایت، بیشتر در جهت آماده‌سازی شیعیان برای غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تلاش کردند. زمینه‌سازی برای غیبت امام بسیار سخت بود؛ زیرا حکومت عباسی، فشار خود بر این سه امام را افزایش داد و معمولاً این سه بزرگوار در حصر و دور از مردم بودند و به همین خاطر ارتباط با جامعه و آماده‌سازی اذهان برای عصر غیبت، بسیار سخت و دشوار به نظر می‌رسید. با پایان این دوره، عصر غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف آغاز شد و تا آمدگی مردم برای پذیرش حاکمیت و ولایت

۱. همان.

جانشین برحق پیامبرگرامی اسلام ﷺ ادامه خواهد یافت.^۱

همه تصمیم‌ها، تلاش‌ها و اقدام‌ها ائمه طاهرين ﷺ برای این بود که جریان امامت و ولایت و مشعل فروزان عترت رسول خدا ﷺ، به عنوان راه حق و مسیری که رسول خدا ﷺ مردم را به سوی آن توصیه کرد، باقی بماند و پیروان بیشتری پیدا کند؛ اما نه به قیمت فراموش شدن و کنار گذاشته شدن کل مسائل اسلام؛ از همین رو، جنگ و صلح امام حسن ﷺ و صلح امام حسین ﷺ در ده سال حکومت معاویه و قیام آن حضرت در زمان یزید، عملکرد و سیره امام سجاد ﷺ، جریان وسیع فرهنگی که امام باقر و امام صادق ﷺ در مدینه و کوفه شروع کردند، ولایت عهدی امام رضا ﷺ و سایر اقداماتی که ائمه اطهار ﷺ انجام دادند، چهره‌های متفاوتی بود که روح واحدی داشت و آن، حفظ اسلام و جریان امامت و ولایت بود.^۲ تمام ائمه ﷺ در هر عصر و زمان، باید در چهار جبهه به رسالت خودشان عمل می‌کردند: ۱. مواجهه با کفر؛ ۲. مواجهه با مذاهب دیگر؛ ۳. مواجهه با ریزش‌ها در درون شیعیان؛ ۴. مواجهه با حاکمان عصر خود. شرایط و مقتضیات هر زمانی، یکی از این امور را بیشتر ایجاب می‌نمود؛ که قیام عاشورا، نقطه عطفی در نبرد ائمه جبهه حق با حکومت اموی، عصر امام صادق ﷺ و امام باقر ﷺ، نقطه عطفی برای تثبیت معارف فقهی، کلامی و حدیثی شیعه و عصر امام رضا ﷺ، نقطه عطفی برای بروز کیان اجتماعی و سیاسی شیعه در دنیای اسلام بود.^۳

در ادامه، با توجه به چندبعدی بودن قیام اباعبدالله ﷺ، بیانی کلی پیرامون رویکردهای متفاوتی که برای تحلیل و تعمیق در مورد قیام عاشورا وجود دارد، آورده می‌شود.

۱. خطبه نماز جمعه میبد، ۱۳/۰۳/۱۳۹۱، شماره ثبت اشراق ۲۸۳۵.

۲. خطبه نماز جمعه میبد، ۲۰/۰۲/۱۳۸۱، شماره ثبت اشراق ۳۹۹۹.

۳. سخنرانی در دهه کرامت در جمع طلاب غیرایرانی، ۲۰/۰۹/۱۳۸۴، شماره ثبت اشراق ۳۱۰۵.

۳. انواع رویکردها در تفسیر و تحلیل واقعه عاشورا

جریان عاشورا و قیام امام حسین علیه السلام از زوایا و رویکردهای مختلف قابل تحلیل است که براساس هریک از این رویکردها می‌توان بینش‌ها و درس‌های گوناگونی از این قیام پیچیده و عمیق به دست آورد. عاشورا صحنه بزرگ و بی‌نظیری است که در آن عقلانیت، عرفان، معنویت و حماسه باهم پیوند یافته‌اند و به همین دلیل ارائه تحلیلی جامع از آن، می‌تواند مشعلی بزرگ و ابدی برای هدایت انسان‌ها فراهم سازد و در عصرهای مختلف کاروان بشری را از ظلمت به نور و از گمراهی در مسیرهای انحرافی، به هدایت در مسیر صراط مستقیم الهی رهنمون سازد. آنچه در ادامه می‌آید، رویکردهای تفسیر و تحلیل واقعه عاشورا را مورد بررسی قرار می‌دهد.

۳-۱. رویکرد سیاسی

اولین رویکرد در تحلیل واقعه عاشورا، رویکرد سیاسی است؛ در این نظرگاه می‌توان وقایع و حوادث آن زمان و مواضع اباعبدالله علیه السلام را مورد بررسی و تحلیل قرار داد و علل رفتارها و تصمیم‌های امام حسین علیه السلام در موقعیت‌های گوناگون را از دید سیاسی تحلیل نمود.

در این زمینه دیدگاه‌ها و تحلیل‌های مختلفی وجود دارد و نظرات گوناگونی پیرامون تحلیل سیاسی و تاریخی قیام اباعبدالله علیه السلام ارائه شده است. با توجه به شرایط زمانه، حدود پنج راه پیش روی امام حسین علیه السلام قرار داشت که ایشان راه شهادت مظلومانه در صحرای کربلا را برگزیدند؛ که با توجه به بینش عمیق و الهام الهی حضرت اباعبدالله علیه السلام و تحلیل‌های سیاسی و تاریخی، این انتخاب حضرت، بهترین انتخاب ممکن بوده است. در فصل «بررسی وقایع تاریخی و مراحل قیام عاشورا»، به‌طور تفصیلی به بررسی وقایع مختلف این عصر و تصمیمات اباعبدالله علیه السلام خواهیم پرداخت.^۱

۱. سخنرانی در حوزه علمیه برادران، سال ۱۳۹۲، شماره ثبت اشراق ۳۶۴۰.

۳-۲. رویکرد فقهی

رویکرد فقهی و اجتهادی، کامل‌ترین و عمیق‌ترین تحلیل ممکن را از واقعه عاشورا به دست می‌دهد و ابعاد گوناگونی از این قیام را روشن می‌سازد، زیرا علم فقه که یکی از ارکان حوزه‌های علمیه محسوب می‌شود، دانشی جهان‌شمول است که تمامی افعال آدمی را در برمی‌گیرد و برای همه رفتارها و کردارهای بشر احکام و ضوابط گوناگون ارائه می‌دهد. البته فقه موجود تا حدی در این زمینه پاسخگوست و برای ارائه تحلیل‌های عمیق‌تر و کامل‌تر، نیاز به تبویب و تنظیماتی گسترده‌تر دارد؛ در واقع باید دامنه این دانش، به فقه سیاسی و فقه حکومتی نیز گسترش یافته و با کامل‌تر شدن این ابواب، امکان ارائه تحلیل‌ها و بررسی‌های عمیق‌تری از حوادث گوناگون تاریخ اسلام و به‌ویژه واقعه عاشورا، مهیا گردد. در این دیدگاه، فقیه باید ضوابط و قواعد فقهی مختلفی را از سیره و عملکرد ابا عبدالله علیه السلام در طول این قیام استنباط کند و با توجه به منظومه فقه سیاسی اسلام، بررسی نماید که امام حسین علیه السلام به‌عنوان امام و حجت پروردگار، چگونه قیام عاشورا را پدید آورد و چه منطق و رویکردی در اخذ تصمیمات و انجام رفتارهای مختلف در طول این قیام داشت. علاوه بر آنچه گفته شد، بررسی فقهی و اخلاقی عاشورا، می‌تواند دستاوردهای زیادی در زمینه سبک زندگی اسلامی و تأمین نیاز بشر به الگوهای کامل و والا داشته باشد که او را در مکتب اسلام به پیش برده و به حیات اسلامی و الهی رهنمون سازد.^۱

شناخت فقهی عاشورا باعث ماندگاری این قیام الهی شده و از محدود شدن ابعاد آن به جنبه‌های احساسی و عاطفی جلوگیری می‌نماید. تحلیل و بررسی

۱. سخنرانی در دیدار طلاب، علما و دانش‌پژوهان کشورهای منطقه امریکای لاتین، ۹۲/۲/۱۶، شماره ثبت اشراق ۳۳۱۰.

فقهی عاشورا اولین بار به وسیله مرحوم طبرسی^۱ آغاز شده و پس از ایشان، فقها از ابعاد مختلفی مانند امر به معروف و نهی از منکر، صلح با دشمن، جهاد، تشکیل حکومت و تقیه، به بررسی و اجتهاد درباره این حادثه پرداخته‌اند.

دیدگاه‌های کلی در مورد تحلیل فقهی عاشورا

تحلیل فقهی قیام عاشورا، نیازمند بررسی و تحقیق تفصیلی بسیار است؛ اما به طور اجمالی می‌توان دو دیدگاه کلی در این رابطه ترسیم نمود:

الف. عدم امکان تحلیل فقهی: بنا بر دیدگاه اول، حماسه عاشورا از اسرار الهی است و به دلیل پیچیدگی‌هایی که در آن وجود دارد، نمی‌توان با رویکرد فقهی به تحلیل و ارزیابی آن پرداخت.^۲ در حقیقت قیام اباعبدالله علیه السلام و تصمیماتی که آن حضرت در این قیام اتخاذ نمودند، قضیه‌ای خاص و ویژه (قضیه فی واقعه) محسوب می‌شود که قابل الگوبرداری نیست.

ب. امکان تحلیل فقهی: بنا بر دیدگاه دوم، امکان تحلیل و ارزیابی فقهی جریان عاشورا وجود دارد و اگر شرایطی مشابه پیش آید، می‌توان از این قیام الگوبرداری نمود.^۳ طبق این مبنا، چندین تحلیل فقهی در مورد قیام

۱. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۵۱۷.

۲. برای نمونه سید محمد صدر، از علمای معاصر عراق، قیام امام حسین علیه السلام را دارای مصلحت‌هایی خاص می‌داند که فقط برای امام معصوم علیه السلام قابل تشخیص بوده و قابل الگوبرداری نیست. ایشان در کتاب ماوراء الفقه می‌گوید: «و لا ینبغی أن ننسی أن أكثر أئمتنا المعصومین علیهم السلام، عانوا من ظروف التقية والمسالمة والهدنة مع الآخرين الشیء الكثير بصبر عظیم و صدر رحب کریم. لا یستثنی من ذلك - بعد ولاية أمير المؤمنین علیه السلام - إلا ثورة الحسین علیه السلام. التي كانت لها مصالحها الخاصة التي لا یمكن القیاس علیها أو استنتاج القاعدة العامة منها. و التي لا یصدّق فیها و فی أمثالها إلا المعصوم علیه السلام». (سید محمد صدر، ماوراء الفقه، ج ۲، ص ۱۰۶)

۳. برای نمونه فقهایمانند مرحوم طبرسی (مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۵۱۷) و علامه حلی (منتبهی المطلب، ج ۱۵، ص ۱۲۲) به تحلیل فقهی قیام عاشورا پرداخته‌اند که در پاورقی‌های بعد به آن‌ها اشاره خواهد شد.

اباعبدالله علیه السلام قابل ارائه است:

۱. امویان پس از به حکومت رسیدن یزید، تصمیم قطعی بر قتل امام حسین علیه السلام و نابودی خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داشتند. برای نمونه امام حسین علیه السلام پس از رسیدن خبر شهادت حضرت مسلم علیه السلام، فرمودند: «وَاللَّهِ لَا يَدْعُوَنِي حَتَّى يَسْتَخْرِجُوا هَذِهِ الْعَلَقَةَ مِنْ جَوْفِي»؛^۱ «به خدا سوگند اگر من در هر پناهاگی باشم، مرا بیرون می آورند تا مقصود خود را انجام دهند»؛ این کلام اباعبدالله علیه السلام حاکی از این بود که ایشان شهادت خود را حتمی می دانستند. بر این اساس قیام اباعبدالله علیه السلام مصداق آیه شریفه وَ لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ^۲ محسوب نمی شود و امام حسین علیه السلام حتی در صورت بیعت با یزید نیز به شهادت می رسیدند؛ اما ایشان با انتخاب شهادت در میدان نبرد، خون خود را در راه بیدارسازی امت اسلامی نثار کرده و باطن خبیث و پلید بنی امیه را برای مسلمین هویدا ساختند. البته بنا بر احتمالات مختلف، انتخاب این نوع شهادت، بر اباعبدالله علیه السلام واجب بوده^۳ یا ارجحیت یا جواز داشته است.

۲. برخی شواهد این احتمال را تقویت می کند که اباعبدالله علیه السلام بین

۱. فضل ابن حسن طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۲۳۲.

۲. سوره بقره (۲)، آیه ۱۹۵.

۳. محقق کرکی نظری شبیه به این دیدگاه را بیان می نماید: «وَأَمَّا فِعْلُ الْحُسَيْنِ علیه السلام فَإِنَّهُ لَا نَعْلَمُ مِنْهُ أَنَّ الْمَصْلُحَةَ كَانَتْ فِي الْمَهَادَنَةِ وَتَرْكُهَا، وَلَعَلَّهُ علیه السلام عَلِمَ أَنَّهُ لَوْ هَادَنَ يَزِيدَ عَلَيْهِ لَعَنَةُ لَمْ يَفِ لَهُ، أَوْ أَنَّ أَمْرَ الْحَقِّ يَضَعُفُ كَثِيرًا بِحَيْثُ يَلْتَبَسُ عَلَى النَّاسِ، مَعَ أَنَّ يَزِيدَ لَعَنَهُ اللَّهُ كَانَ مَتَهْتِكًا فِي فِعْلِهِ، مَعْلَنًا بِمُخَالَفَةِ الدِّينِ، غَيْرِ مَدَاهِنٍ كَأَبِيهِ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَيْهِمَا، وَ مِنْ هَذَا شَأْنُهُ لَا يَمْتَنِعُ أَنْ يَرَى إِمَامَ الْحَقِّ وَجُوبَ جِهَادِهِ وَإِنْ عَلِمَ أَنَّهُ يَسْتَشْهَدُ، عَلَى أَنَّهُ علیه السلام فِي الْوَقْتِ الَّذِي تَصَدَّى لِلْحَرْبِ فِيهِ لَمْ يَبْقَ لَهُ طَرِيقٌ إِلَى الْمَهَادَنَةِ، فَإِنَّ ابْنَ زِيَادٍ لَعَنَهُ اللَّهُ كَانَ غَلِيظًا فِي أَمْرِهِمْ علیهم السلام، فَرُبَّمَا فَعَلَ بِهِمْ مَا هُوَ فَوْقَ الْقَتْلِ أَوْ ضَعَافَةً.» علی بن عبد العالی (محقق کرکی)، جامع المقاصد، ج ۳، ص ۴۶۷.

بیعت با یزید و شهادت تخییر تکوینی داشته‌اند و شهادت ایشان حتمی نبود. برای نمونه امام حسین علیه السلام در روز عاشورا فرمودند: «أَلَا وَ إِنَّ الدَّعَى ابْنَ الدَّعَى قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ بَيْنَ السَّلَّةِ وَ الدَّلَّةِ وَ هِيَهَاتَ مِنَّا الدَّلَّةُ». ^۱ طبق این دیدگاه، انتخاب صلح و بیعت با یزید مصداق تقیه محسوب نمی‌شد، زیرا بیعت با یزید باعث از بین رفتن اسلام حقیقی و فراموشی خط راستین هدایت می‌گشت. به عبارت دیگر شرایط دوران امام حسین علیه السلام با شرایط دوران سایر ائمه علیهم السلام مانند حضرت علی علیه السلام یا امام صادق علیه السلام تفاوت داشت. این بزرگواران به این دلیل در برابر حکام زمان خود قیام نکرده و راه شهادت را انتخاب نکردند که اسلام راستین و خط اصیل ولایت در معرض تباهی و فراموشی نبود؛ اما در دوران امام حسین علیه السلام حکومت به دست فردی پست و فرومایه افتاده بود که هرگز به موازین اسلام پایبند نبود. هم‌چنین با تبلیغات گسترده دستگاه اموی، اسلام در معرض تحریفی عظیم قرار داشت و بیم آن می‌رفت که این دین مبین با چهره‌ای کاملاً متفاوت به نسل‌های بعد و افراد تازه‌مسلمان انتقال یابد. از این رو امکان تقیه برای اباعبدالله علیه السلام وجود نداشت و باید برای حفظ کیان اسلام و احیای سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله قیام می‌نمودند. بنابراین واجب بود که ایشان با شهادت خود، به بقای اسلام کمک کنند. ^۲

البته این احتمال وجود دارد که بنا بر مصالح موجود در دوران امام

۱. علی بن موسی (ابن طاووس)، اللهوف، ص ۹۸.

۲. علامه مجلسی به وجوب قیام بر امام حسین علیه السلام برای حفظ اسلام اشاره می‌نماید؛ محمدباقر مجلسی، مرآة العقول، ج ۱۱، ص ۹۷: «يظهر من بعض الأخبار أن التقيّة إثمًا تجب إبقاءً للدين وأهله، فإذا بلغت الضلالة حدًّا توجب اضمحلال الدين بالكلية فلا تقيّة حينئذٍ وإن أوجب القتل، كما أن الحسين علیه السلام لما رأى انطماس آثار الحق رأساً ترك التقيّة والمسألمة.»

حسین علیه السلام، شهادت بر بیعت با یزید ارجحیت داشته^۱ و یا امام علیه السلام بین بیعت و شهادت مخیر بوده و انتخاب شهادت وجوب یا ارجحیت نداشته است.^۲

۳. طبق دیدگاه‌های پیشین، امام حسین علیه السلام موضعی انفعالی در برابر یزید داشته و مجبور بودند که نسبت به تهدیدهای یزید و مطالبه بیعت، واکنش نشان دهند. در مقابل دیدگاه‌های پیشین، این دیدگاه متصور است که قیام و جنبش امام حسین علیه السلام حرکتی کاملاً فعال بوده و اباعبدالله علیه السلام، برای مقابله

۱. برای نمونه مرحوم سید علی طباطبایی، این‌گونه بیان می‌نماید: «وَأَمَّا فِعْلُ سَيِّدِنَا الْحُسَيْنِ علیه السلام فربما يمنع كون خلافه مصلحة، وأت فعله كان جوازاً لا وجوباً، بل لمصلحة كانت في فعله خاصة لا تركه. كيف لا، ولا ريب أنّ في شهادته إحياءً لدين الله قطعاً، لاعتراض الشيعة على أخيه الحسن في صلحه مع معاوية، ولوصالح علیه السلام هو أيضاً لفسدت الشيعة بالكلية، ولتقوى مذهب السنة والجماعة، وأت مصلحة أعظم من هذا، وأت مفسدة أعظم من خلافه؟ كما لا يخفى.» (سید علی طباطبایی، ریاض المسائل، ج ۸، ص ۶۴). هم‌چنین مرحوم طبرسی به این نظر اشاره نموده است؛ ایشان در بیان آیه «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» (سوره بقره ۲)، آیه (۱۹۵) می‌گوید: «و فی هذه الآية دلالة على تحريم الإقدام على ما يخاف منه على النفس و على جواز ترك الأمر بالمعروف عند الخوف لأن في ذلك إلقاء النفس إلى التهلكة و فيها دلالة على جواز الصلح مع الكفار و البغاة إذا خاف الإمام على نفسه أو على المسلمين كما فعله رسول الله صلی الله علیه و آله عام الحديبية و فعله أمير المؤمنين علیه السلام بصفين و فعله الحسن علیه السلام مع معاوية من المصالحة لما تشتت أمره و خاف على نفسه و شيعته فإن عورضنا بأن الحسين علیه السلام قاتل وحده، فالجواب أن فعله يحتمل وجهين: أحدهما أنه ظن أنهم لا يقتلونه لمكانه من رسول الله صلی الله علیه و آله و الآخر أنه غلب على ظنه أنه لو ترك قتالهم قتله الملعون ابن زياد صبراً كما فعل بابن عمه مسلم فكان القتل مع عز النفس و الجهاد أهون عليه.» (فضل بن حسن طبرسی، مجمع البيان، ج ۲، ص ۵۱۷).

۲. علامه حلی در کتاب منتهی المطلب صلح را بر امام حسین علیه السلام جایز می‌داند: «الهدنه ليست بواجبة على كل تقدير، سواء كان بالمسلمين قوه او ضعف، لكنّها جائزه، لقوله تعالى: «وَأِنْ جَاءَوكُمُ لِلسَّلَامِ فَاَجْتَنِبْهَا»، و للآيات المتقدمه، بل المسلم يتخیر في فعل ذلك برخصه ما تقدم. و بقوله تعالى: «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» و ان شاء قاتل حتى يلقى الله شهيداً؛ عملاً بقوله تعالى: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ»، و بقوله تعالى: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً»، و كذلك فعل سيدنا الحسين علیه السلام.» (حسن بن يوسف حلی، منتهی المطلب، ج ۱۵، ص ۱۲۲).

با انحراف عظیمی که در جامعه اسلامی ایجاد شده بود، اقدام به قیام نمودند. به عنوان شاهی برای تقویت این دیدگاه می‌توان به کلام امام حسین علیه السلام در پاسخ به مروان بن حکم اشاره نمود؛ پس از آن که مروان از اباعبدالله علیه السلام درخواست کرد که با یزید بیعت نمایند، امام علیه السلام پاسخ دادند: «علی الاسلام العفا إذ قد بليت الأمة براع مثل یزید ... و یحک تأمرنی بیعة یزید، و یزید رجل فاسق ... إلیک عنی یا عدو الله فإنا اهل بیت رسول الله علی الحق و الحق فینا، و قد سمعت جدی رسول الله صلی الله علیه و آله یقول: الخلافة محرمة علی آل أبی سفیان الطلقاء و أبناء الطلقاء، فإذا رأیتم معاویة علی منبری فابقروا بطنه، فوالله لقد رأه أهل المدينة علی منبر جدی رسول الله صلی الله علیه و آله فلم یفعلوا ما أمرهم به فابتلاههم الله بانه یزید»؛ «باید فاتحه اسلام را خواند، زیرا امت به زمامداری مانند یزید مبتلا شده است ... وای بر تو! آیا مرا به بیعت با یزید امر می‌کنی در حالی که یزید مردی فاسق است ... این سخن من به تو است، ای دشمن خدا! همانا ما اهل بیت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بر حق هستیم و حق بین ماست. شنیدم که جدم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمود: «خلافت بر آل ابی سفیان آزاد شده و فرزندان آزادشدگان حرام است؛ پس هرگاه معاویه را بر منبر من دیدید، شکم او را پاره کنید.» پس به خدا سوگند، مردم مدینه او را بر منبر جدم، رسول خدا صلی الله علیه و آله دیدند و به آنچه امر کرده بود، عمل نمودند؛ پس خداوند آنان را به فرزندش یزید مبتلا کرد.»

طبق این دیدگاه، قیام امام حسین علیه السلام در راستای جهاد با منافقین و انجام امر به معروف و نهی از منکر بود و از این رو مصداق آیه شریفه وَلَا تَلْقُوا بِأیدیکم إلی التهلکة^۲ محسوب نمی‌شد. اباعبدالله علیه السلام تصمیم قطعی بر مبارزه با

۱. محمد حسینی موسوی، تسلیة المجالس و زینة المجالس، ج ۲، ص ۱۵۳.

۲. سوره بقره (۲)، آیه ۱۹۵.

دستگاه اموی داشتند و حتی اگر حکومت اموی کاری با ایشان نداشت، امام حسین علیه السلام برای درهم شکستن پایه های فساد و نفاق قیام می نمودند.

۴. دیدگاه جامع و کامل این است که جنبش امام حسین علیه السلام علی رغم پیچیدگی هایی که داشت، قابل تحلیل و ارزیابی است و می توان در شرایط مشابه از آن الگوبرداری نمود. تمام دیدگاه های قبلی، بخشی از ابعاد قیام عاشورا را ترسیم می نمایند و برای هر یک از دیدگاه های سابق شواهدی وجود دارد؛ اگر بپذیریم که شهادت اباعبدالله علیه السلام حتمی بود، باید دیدگاه اول و در غیر این صورت، باید دیدگاه دوم را تایید نمود. البته نباید از نظر دور داشت که امام حسین علیه السلام به دلیل خطراتی که آینده اسلام را تهدید می نمود، تصمیم قطعی بر مبارزه با یزید داشتند و حتی اگر یزید علیه ایشان اقدام نمی کرد، اباعبدالله علیه السلام به جنگ با او برمی خاستند. بنابراین، اهمیت و عظمت قیام عاشورا در این است که چند عنوان گوناگون بر آن صدق می کند و این قیام به طور هم زمان مصداق جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و دفاع دلیرانه و بصیرت بخش، محسوب می شود.

۳-۳. رویکرد علوم انسانی، علوم اجتماعی و روان شناختی

زاویه دیگر در باب تحلیل عاشورا، رویکرد علوم انسانی، علوم اجتماعی و روان شناختی است؛ در این زمینه باید شرایط اجتماعی و روان شناختی جامعه عصر امام حسین علیه السلام را مورد کنکاش قرار داد و علل عملکردهای مختلف امام حسین علیه السلام و مردم معاصر آن زمان را استخراج و تبیین کرد.^۱

چنان که می دانیم، شخصیت انسان از دو بخش نیمه پنهان و آشکار تشکیل شده است. نیمه پنهان شخصیت انسان شامل علم، آگاهی، اراده، انگیزه و نیات فرد است و در حقیقت همان عالم درون انسان و باطن و روح او

۱. سخنرانی در حوزه علمیه برادران، سال ۱۳۹۲، شماره ثبت اشراق ۳۶۴۰.

محسوب می‌شود. بخش دیگر هستی انسان، مربوط به دنیای آشکار و بیرون اوست که شامل گفتار، اعمال و رفتار او می‌شود. فلسفه، عرفان، روان‌شناسی و علوم فراوان دیگری برای شناخت نیمه پنهان انسان به وجود آمده و به تحلیل امور مرتبط با آن می‌پردازد؛ بخش زیادی از تعالیم و معارف دین نیز با همین دنیای درون انسان سروکار دارد و به خصوص روی مدیریت آن تأکید می‌کند. مدیریت این دنیای درون که اصل شخصیت انسان را تشکیل می‌دهد، بسیار دشوار است.^۱

بین دنیای درون و بیرون انسان ارتباط علی وجود دارد و دنیای درون، منشأ و سرچشمه اقوال و اعمالی است که در دنیای بیرون بروز می‌یابد؛ در واقع، معرفت، اراده و انگیزه فرد، علل اعمال و رفتار او محسوب می‌شوند و عالم بیرون، همچون آینه، روح، شخصیت و دنیای درون فرد را منعکس می‌سازد. براین اساس با بررسی گفتار و اعمال افراد می‌توان به شناخت دنیای درون و به روحيات و شخصیت آن‌ها پی برد. البته باید توجه داشت که ارتباط دنیای درون و بیرون انسان دوسویه و متقابل است و فرد برای رشد و ترقی باید هر دو عالم را مدیریت نماید؛ یعنی باید از یک سو علم، اراده و انگیزه خود را تقویت کند و از سوی دیگر باید گفتار و رفتار خود را به گونه‌ای مدیریت کند که آثار و نتایج مناسبی بر روح و شخصیت وی گذاشته و در جهت کمال و ترقی به پیش رود. براین اساس، انسان‌های موفق کسانی هستند که در مدیریت زندگی خود، به دو بخش پنهان و آشکار شخصیت خود توجه دارند و در جهت اعتلا و کمال خود، در هر دو بعد تلاش می‌کنند.^۲

از این منظر تمام اقوال و اعمال امام حسین علیه السلام در طول قیام عاشورا،

۱. سخنرانی در دبیرستان پسرانه، شماره ثبت اشراق ۲۹۶۵.

۲. همان.

برآمده از شخصیت ایشان بود و تطابق کامل با قرآن کریم داشت؛ زیرا هر آنچه ائمه اطهار علیهم السلام انجام می دهند در حقیقت همان نقشه و طرح قرآن کریم است و اقوال و اعمال آنان تجسم و پیاده سازی این کتاب آسمانی محسوب می شود.

در واقعه عاشورا دنیای درون اباعبدالله علیه السلام که انعکاسی تام و کامل از قرآن کریم محسوب می شد، به خوبی و در بهترین صورت ممکن، ظهور یافت و اعمال و اقوال ایشان، تصویری باشکوه و زیبا از کمال درونی و بیرونی انسان کامل را به نمایش گذاشت.^۱ به همین خاطر اگر با نگاه تربیتی به حادثه عاشورا نگاه شود، این هنرنمایی و سیره بی نظیر اباعبدالله علیه السلام در طول این قیام، الگوی کاملی است که باید منشأ الهام و درس های فراوان قرار گیرد و برای تربیت دینی، تشکیل نظام معرفتی و نیز برنامه ریزی و تلاش در جهت رشد و تعالی مسلمین به کار گرفته شود.^۲

۳-۴. رویکرد عرفانی

رویکرد مهم دیگر در بررسی و تحقیق پیرامون قیام عاشورا، نظرگاه عرفانی است؛ باید قیام عاشورا را از این نظرگاه مورد مذاقه قرار داد و ابعاد عمیق و عارفانه ای که در این حادثه بی نظیر و قربانگاه عارفان الهی نهفته است را استخراج کرد و برای بهره گیری جامعه اسلامی، عرضه نمود. علی رغم تلاش های صورت گرفته در این زمینه، هنوز هم مجال تحقیق و تعمیق بسیار بیشتری وجود دارد و تحلیل عرفانی عاشورا باید با جدیت و اهتمام بیشتری دنبال شود. در عرفان نظری، طبق یک تحلیل، عالم بر اساس محوریت الله شکل گرفته و تمام هستی تجلی، اشعه و سایه های وجود حضرت حق

۱. همان.

۲. سخنرانی در اولین نشست تربیت دینی، ۱۳۸۳/۱۲/۶، شماره ثبت اشراق ۱۹۰.

محسوب می‌شوند؛ در عرفان عملی هم انسان باید به نقطه‌ای برسد که ضمن شهود حقیقت عالم، فنای این عالم در ذات الهی، فقر و نیاز مطلق به پروردگار و ناچیزی آن در برابر ذات بی‌همتای الهی را درک کند و قدم در مسیر حب الهی و فنا در ذات متعالی حضرت حق گذارد.

عاشورا از لحاظ تجلی عبادت حبّی، فنای فی الله، شهود ماورای عالم و دل‌دادگی مطلق به خداوند متعال، بی‌نظیر بوده و مکتبی است که تمام این امور را به بهترین نحو و در عالی‌ترین مراتب به نمایش گذاشته است. در حقیقت، قیام عاشورا در متن یک بحران بزرگ، طوفان و امواج عظیم و آزمون‌های بزرگ الهی به وقوع پیوسته و در آن نخبگانی از عالم اسلام برگزیده شده‌اند که در این میدان عرفانی، با خداوند عشق‌بازی کنند و با حبّ خود، مقام‌های فنا و شهود عرفانی را به بهترین وجه ممکن به نمایش بگذارند. در صحنه بسیار شگفت‌انگیز عاشورا، این عشق بی‌نظیر به ذات الهی، متجلی شده و همین امر به سرمایه‌ای بی‌بدیل تبدیل گشته که واقعه عاشورا را در تمام دوره‌ها ماندگار ساخته و درس‌ها و الهام‌های فراوانی برای اهل نظر و صاحبان فکر باقی گذاشته است.

یکی از رازهای ماندگاری عاشورا و بی‌نظیر بودن آن در طول تاریخ، اتصال به سرچشمه معرفت و مبدأ عرفان است و در این حادثه، زمینه و شرایط به‌گونه‌ای فراهم گشته که سیره و عبادت امام حسین علیه السلام و اصحاب ایشان، از عبادت‌ها و بندگی‌های متعارف و معمول، بسیار بالاتر رفته و در سطحی بی‌نظیر و غیرقابل توصیف، اتفاق افتاده است؛ عاشورا با این سرمایه، تجسم عرفان عملی ناب در رفتار و کردار عارفانی پاک‌باخته محسوب می‌شود که برای تمام عارفان تاریخ، درس و الهام بسیاری دارد. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام به عنوان عارفی وارسته و بی‌نظیر در مورد عاشوراییان می‌فرماید:

«مُنَاحُ رِكَابٍ وَ مَصَارِعُ عَشَاقٍ شُهَدَاءَ لَا يَسْبِقُهُمْ مَنْ كَانَ قَبْلَهُمْ وَلَا يَلْحَقُهُمْ مَنْ بَعْدَهُمْ»؛ «اینجا محل خوابیدن مرکب‌ها و به زمین افتادن عشاقی است که پیشینیان نتوانستند [در عشق] بر آنان سبقت گیرند و افراد بعد از آنان نمی‌توانند، خودشان را به آنان برسانند.»^۲ این عشاق، همه چیز را کنار گذاشتند و با شناخت کامل از سود و زیان چنین معامله‌ای، تمام هستی خود را در راه معشوق فدا کردند. نامه امام علیه السلام به محمد بن حنیفه هم علی‌رغم کوتاه بودن، مضمون عجیبی در خود دارد: «أَمَّا بَعْدُ فَكَأَنَّ الدُّنْيَا لَمْ تَكُنْ وَ كَأَنَّ الْآخِرَةَ لَمْ تَزَلْ وَ السَّلَامُ»؛^۳ «اما بعد! دنیا آن قدر حقیر و ناچیز است که گویا اصلاً نبوده و آخرت آن قدر بزرگ است که گویا هیچ وقت از بین نرفته و همیشه بوده است، والسلام». در این نامه حضرت حقارت دنیا در برابر آخرت را به بهترین شکل توصیف می‌کند؛ گویا اصلاً نام دنیا در طومار خلقت ثبت نشده و از ازل تا ابد تنها آخرت است که ایجاد شده و باقی خواهد ماند؛ در حقیقت، آخرت آن قدر در برابر حقارت دنیا، چیرگی و اشراف دارد که گویا هیچ وقت دنیایی وجود نداشته و همواره فقط آخرت وجود داشته است.^۴

این عرفان در سخنان امام حسین علیه السلام خطاب به این اصحاب نیز متجلی بود؛ به طور مثال حضرت مرگ را به زیباترین شکل برای این عشاق تفسیر می‌کنند: «صَبْرًا بَيْنِي الْكِرَامِ فَمَا الْمَوْتُ إِلَّا قَنْطَرَةٌ تَعْبُرُ بِكُمْ عَنِ الْبُؤْسِ وَ الصَّرَاءِ إِلَى الْجَنَّةِ الْوَاسِعَةِ وَ النَّعِيمِ الدَّائِمَةِ»؛^۵ «ای بزرگواران! صبور باشید! زیرا مرگ نظیر پلی است که شما را از این رنج و سختی‌ها عبور می‌دهد و داخل بهشت

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۹۸.

۲. خطبه نماز جمعه میبد، ۱۳۹۲/۰۸/۲۴، شماره ثبت اشراق ۳۶۹۱.

۳. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۸۷.

۴. سخنرانی در حوزه علمیه برادران، سال ۱۳۹۲، شماره ثبت اشراق ۳۶۴۰.

۵. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۹۷.

وسیع و نعمت‌های همیشگی می‌نماید؛^۱ در حقیقت امام علیه السلام این مرگ را پلی می‌دانند که آنان را به ابدیت وصل می‌کند.

یکی دیگر از لحظه‌های عارفانه بی‌نظیر در حادثه عاشورا، مناجات عجیب و عمیق امام حسین علیه السلام با پروردگار است: «صَبْرًا عَلَى قَضَائِكَ يَا رَبِّ لَا إِلَهَ سِوَاكَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ مَا لِي رَبِّ سِوَاكَ وَلَا مَعْبُودَ غَيْرِكَ صَبْرًا عَلَى حُكْمِكَ يَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ»؛^۲ «شکیبا هستم بر قضای تو، ای پروردگار من، هیچ خدایی جز تو نیست. ای فریادرس فریادرس خواهان، هیچ‌کس را جز تو و هیچ معبودی غیر از تو ندارم. بر حکم تو صابرم. ای فریادرس کسی که فریادرس ندارد.»^۳

۱. خطبه نماز جمعه میبد، ۱۳۹۲/۰۸/۲۴، شماره ثبت اشراق ۳۶۹۱ و خطبه نماز جمعه میبد، ۱۳۹۲/۰۹/۲۹، شماره ثبت اشراق ۳۶۹۳.

۲. محمود شریفی و سید حسین زینالی، موسوعة کلمات الامام الحسین علیه السلام، ص ۶۱۵.

۳. سخنرانی در حوزه علمیه برادران، سال ۱۳۹۲، شماره ثبت اشراق ۳۶۴۰.